

اخلاق زیستی و حقوق بشر

هومن موثق*

چکیده

پدیده‌ها و دستاوردهای علوم زیستی و پزشکی که موضوع آنها انسان است، همواره با سؤالات اخلاقی بسیاری همراه بوده‌اند. پاسخگویی به اینگونه سؤالات اخلاقی نیز مستلزم بهره گرفتن از نظریات کلی اخلاقی است که تفاوت‌های فاحش و بنیادینی با یکدیگر دارند. به تدریج رشته‌ای به نام اخلاق زیستی ایجاد شده که از جمله رشته‌های در حال توسعه است و در سطح جهانی مورد توجه قرار گرفته. هدف از این رشته پاسخگویی به سؤالات اخلاقی مربوط به علوم زیستی و پزشکی است. از جمله مسائلی که در اخلاق زیستی اهمیت به‌سزایی دارد، مبنای فلسفی یا نظریه کلی است که بر اساس آن می‌توان پدیده‌ها و دستاوردهای جدید علمی و پزشکی را قاعده‌مند کرد و داوری‌های اخلاقی مناسبی انجام داد. در این مقاله، ضمن بیان برخی از این مبانی فلسفی، نشان داده خواهد شد که رویکرد مناسب در سطح بین‌المللی هم به لحاظ منطقی و هم به لحاظ عملی، رویکرد مبتنی بر نظام بین‌المللی حقوق بشر است و همین رویکرد توسط دولت‌ها اتخاذ شده است.

کلید واژگان

اخلاق زیستی، حقوق بشر، نظریه کلی اخلاقی.

* دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل.

مقدمه

فعالیت‌های علمی، به ویژه در مواردی که موضوع آنها انسان باشد، همواره سؤال‌های اخلاقی بسیاری را مطرح کرده‌اند. به همین دلیل نیز ابعاد اخلاقی علوم زیستی و پزشکی از دیرباز مورد توجه فلاسفه، روحانیون و حقوقدانان نیز بوده‌اند. این سؤال که پزشکان و دانشمندان علوم زیستی در فعالیت‌های خود از چه مقرراتی باید تبعیت کنند و چه مسئولیت‌هایی دارند همواره مورد بحث بوده است. از جمله رشته‌هایی که به این مقوله می‌پردازد، رشته اخلاق زیستی^۱ است. اخلاق زیستی با تکیه بر قرن‌ها تفکر، فعالیت علمی، مواضع اخلاقی و مذهبی غنی شده و به شکل امروزی درآمده است. متخصصان اخلاق زیستی تلاش دارند جوانب اخلاقی فعالیت دانشمندان و پزشکان را مورد بررسی قرار داده و مجاز و ممنوع آنها را بر اساس عقل^۲ معین کنند.

علاوه بر جنبه‌های اخلاقی و ملی علوم زیستی و پزشکی که پیشتر مورد توجه اندیشمندان این رشته‌ها قرار می‌گرفته، به تدریج نیاز به تنظیم قواعدی الزام‌آور برای حصول اطمینان از تضمین حقوق افراد مشهود شد. این نیاز محدود به قلمرو ملی دولت‌ها نبود و برخی از تجارب جامعه بین‌المللی، به ویژه در دوران جنگ جهانی دوم، ضرورت اقدام بین‌المللی برای قاعده‌مند کردن علوم زیستی و پزشکی را کاملاً آشکار ساخت. با توجه به پیشرفت‌های حیرت‌انگیز علوم زیستی و پزشکی، به خصوص در زمینه‌هایی همچون مهندسی ژنتیک، شبیه‌سازی، فن آوری نانو و مانند آن، و با توجه به تعامل بیش از پیش دانشمندان جهان با یکدیگر، این نیاز بیش از هر زمان دیگری مستلزم تدبیری جهانی و منسجم است. پاسخگویی به این نیاز مستلزم بهره گرفتن از دستاوردهای علم اخلاق زیستی است.

۱. در اینجا، اشاره به اخلاق زیستی (bioethics) شامل اخلاق پزشکی (medical ethics) نیز می‌شود.

۲. این تعبیر در برابر اخلاق شهودی و اخلاق مبتنی بر منابع متافیزیکی استفاده شده است.

با توجه به اینکه رشته اخلاق زیستی و مقررات و اصول آن برای شناخت رویکرد درست اخلاقی به فعالیت‌های علمی و پزشکی اهمیت بسیاری دارد، لازم است توضیحی کوتاه درباره این رشته داده شود. همچنین، با توجه به اینکه نظریات کلی اخلاقی متعددی وجود دارند، به دو نظریه کلی اخلاقی که طرفداران بیشتری دارند اشاره خواهد شد. سپس، ارتباط اخلاق زیستی بین‌المللی با نظام بین‌المللی حقوق بشر بیان شده و دلایل ترجیح حقوق بشر بر نظام‌های اخلاقی دیگر، بیان خواهد شد.

۱. خاستگاه رشته اخلاق زیستی^۳

توجه به جنبه‌های اخلاقی فعالیت‌هایی که به انسان مربوط می‌گردند، امری دیرینه است. در گذشته بیش از همه، صاحبان حرفه‌های پزشکی و روحانیون ادیان مختلف و تا حدودی فلاسفه و حقوقدانان به مسأله جنبه‌های اخلاقی حیات توجه داشته‌اند. اساس رفتار صاحبان مشاغل پزشکی با بیماران و همکاران بر پایه‌های اخلاقی و حتی مذهبی استوار بود. از روزگار قدیم پزشکان که با سلامت و بیماری و در نتیجه مرگ و زندگی افراد سروکار داشته‌اند تا حدی دارای جنبه روحانی بوده‌اند.^۴ جنبه‌های اخلاقی این حرفه نیز به تدریج توسط اشخاص خصوصی تبیین شدند و در سوگندنامه‌های معروفی همچون سوگندنامه بقراط تدوین گردیدند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت عمده مقررات مربوط به نحوه کار دانشمندان علوم زیستی و پزشکان تا حد زیادی توسط نهادهای غیر دولتی به صورت سوگندنامه‌ها و مجموعه‌های قواعد رفتاری تنظیم شده است.

۳. برای آشنایی با تاریخچه جالبی از تحول علم اخلاق زیستی در آمریکا، به منبع زیر مراجعه کنید به:
Jonsen, Albert R., *The Birth of Bioethics*, Oxford University Press, 1998.

۴. قضایی، صمد، پزشکی قانونی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱ تا ۵.

در این گونه سوگندنامه‌ها و قواعد رفتاری، پزشکان تعهدات مختلفی را بر عهده می‌گیرند، از جمله آنکه به اساتید خود همواره احترام بگذارند و آنها را مانند والدین خود بدانند؛ نفع بیماران را همیشه در اولویت قرار دهند و چشم به مال و مکنت نداشته باشند؛ میان بیماران خود تبعیض قایل نشوند؛ داروی مرگبار به کسی ندهند؛ حیات را در همه حال، حتی در صورت فشار و تهدید، محترم بدانند و آن را ولو از جنین سلب نکنند.^۵

در اینجا خالی از لطف نخواهد بود که گزیده‌ای از سوگندنامه دانشکده پزشکی ژنو قید گردد:

... اجازه نخواهم داد که ملاحظات مربوط به مذهب و ملیت و نژاد یا طبقه اجتماعی بین وظیفه من و بیمار من قرار گیرند.

احترام مطلق زندگی انسان را از بدو انعقاد نطفه حفظ خواهم کرد، حتی در مقابل تهدید حاضر نخواهم شد که از معلومات پزشکی من بر ضد قوانین بشریت استفاده شود. برای انجام دادن این وعده‌ها که آنها را با وقار و آزادانه اظهار کرده‌ام قول شرف می‌دهم.^۶

واضح است که این سوگندنامه متأثر از دیدگاه‌های اخلاقی خاصی است، به نحوی که از مفهوم بشریت در آن یاد شده و اصل عدم تبعیض در صدر آن مقرر شده است. همچنین، آغاز حیات از زمان انعقاد نطفه اعلام شده و پزشک متعهد می‌شود از همان زمان انعقاد نطفه قداست و تعرض ناپذیری حیات انسانی را شناسایی کرده و آن را محترم بدارد. ولی آیا صرف وجود چنین سوگندنامه‌هایی برای پیشگیری از تخلفات احتمالی پزشکان کفایت می‌کند؟

۵. سلب حیات از جنین از موضوعاتی است که به شدت اختلاف برانگیز است و موجب مواضع تند و گاه درگیری‌های سختی بین طرفداران حق انتخاب زن برای سقط جنین و مخالفان آن شده است.

۶. قضایی، صمد، پزشکی قانونی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۱ تا ۵.

خانم سارا سیلر ویگوریتو^۷ تجربه شخصی خود را در جنگ جهانی دوم شرح داده است. او که در آن زمان کودکی بیش نبود، مدت یک سال را در آزمایشگاه دکتر جوزف منگل، که یکی از آزمایشگاه‌های آلمان نازی بود، سپری کرد. خانم ویگوریتو دکتر منگل را شخصی بسیار با هوش و دقیق توصیف می‌کند که گرچه قربانیانش از وی وحشت داشتند، هرگز او را به عنوان یک "هیولا" تصور نمی‌کردند. خانم ویگوریتو نحوه عملکرد دکتر منگل را چنین تشریح می‌کند:

دکتر منگل به قفسی چوبی که دو کودک در آن محبوس هستند نزدیک می‌شود. او به یکی از کودکان اشاره می‌کند و دستور می‌دهد به اتاق معاینه آورده شود. کودک را برهنه بر تخت معاینه قرار می‌دهند. دهان و چشمان او را می‌بندند. دستیاران، کودک را از دو طرف تخت نگاه می‌دارند. دکتر با چاقوی جراحی خود به کودک نزدیک می‌شود و بریدگی بلندی بر ران چپ او به امتداد استخوان ران ایجاد می‌کند. سپس از استخوان ران نمونه‌برداری می‌کند. پس از اتمام کار، زخم را می‌بندند و کودک را به قفس باز می‌گردانند... هیچ چیز برای تسکین درد داده نمی‌شود.

مدت‌ها تصور می‌شد که نازی‌ها دانشمندان را وادار به همکاری با خود می‌کردند. اما امروز پژوهشگران متوجه شده‌اند که:

پزشکی و علوم، هم در ترویج ایدئولوژی نازی و هم در اجرای راه‌حل نهایی^۸، نقش‌های اساسی ایفا می‌کردند. علاوه بر این... بسیاری از پزشکان، مسئولین بهداشت عمومی و دانشمندانی که با نازی‌ها همکاری داشتند، هیچ‌گونه ندامتی درباره فعالیت‌هایشان ابراز نمی‌کردند. آنها معتقد بودند که با نابودسازی و عقیم‌سازی یهودیان، کولی‌ها، همجنس

7. Sara Seiler Vigorito.

8. The Final Solution.

بازها و سایر گروه‌هایی که به عنوان تهدیدی علیه بهداشت نژادی آلمان تلقی می‌شدند، کاملاً اخلاقی رفتار کرده‌اند.^۹

به عبارت دیگر، بسیاری از دانشمندان و پزشکانی که به جنایات نازی‌ها کمک کردند، پزشکانی زبردست و دانشمندانی حرفه‌ای بودند که اعتقادی راسخ به اخلاقی بودن فعالیت‌های‌شان داشتند. در واقع، پیش از به قدرت رسیدن هیتلر در سال ۱۹۳۳، شش درصد تمام پزشکان آلمان (۳۰۰۰ نفر) عضو حزب او شده بودند و تا سال ۱۹۴۲، تقریباً نیمی از پزشکان آلمانی (۳۸۰۰۰ نفر) به عضویت این حزب درآمده بودند. برخی از این افراد روش‌هایی برای کشتار جمعی ابداع کرده و تلاش می‌کردند از حزب نازی برای اعمال این روش‌ها مجوز بگیرند! حتی در سال ۱۹۸۹ افشا شد که نمونه‌هایی از بافت‌ها و اسکلت‌های قربانیان این جرایم در دانشکده‌های پزشکی آلمان غربی برای اهداف آموزشی مورد استفاده قرار می‌گیرند. تنها در سال ۱۹۹۰ و بر اثر اعتراض بین‌المللی، این دانشکده‌ها و مؤسسات پژوهشی حاضر شدند بافت‌ها و نمونه‌های مذکور را دفن کنند.^{۱۰}

نمونه دیگری که می‌توان ذکر کرد در آمریکا رخ داده است. در دهه پنجاه، هنگامی که آمریکا در حال توسعه و تکامل سلاح‌های هسته‌ای خود بود، تعدادی از سربازان نیروهای نظامی خود را در معرض تشعشعات انفجارهای هسته‌ای قرار داد بدون اینکه توضیحی درباره آثار و تبعات احتمالی آزمایش‌ها به آنها داده شود. این مسأله تنها به این خاطر بود که پژوهشگران بتوانند آثار تشعشعات رادیواکتیو را بر انسان مورد مطالعه قرار

9. Caplan, Arthur, L. (ed.), *When Medicine Went Mad: Bioethics and the Holocaust*, Humana Press, Totowa, New Jersey, 1992.

10. Jesani, Amar, "Slippery Slopes of Nazi Medicine", www.cehat.org/publications/ed02.html.

دهند.¹¹ این امر باعث شد برخی از این سربازان به بیماری‌های بدون درمانی همچون سرطان و عقیم‌شدگی دچار شوند.

از سوی دیگر، پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی که در زمینه علوم و تکنولوژی در قرن اخیر حاصل شده فنون مختلفی به ارمغان آورده است، فونونی چون تلقیح مصنوعی، مهندسی ژنتیک، شبیه‌سازی و پیوند اعضا. ولی این فنون مسائل بسیاری به همراه داشته‌اند. این فنون از سویی نوید بخش زندگی بهتر و رفاهی فراگیر برای انسان هستند و از سوی دیگر جنبه‌های اخلاقی فراوان و خطراتی بالقوه برای بشر دارند.

جهت تشریح برخی از این مزایا و خطرات می‌توان به مهندسی ژنتیک اشاره کرد که با پیشرفت‌های حاصل در زمینه بیوتکنولوژی میسر شده است. طبق برآوردهای اخیر، حدود ۷۹۰ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه، کمبود غذایی دارند، یعنی غذای مصرفی آنها کفاف میزان انرژی لازم برای فعالیت‌های‌شان را به صورت مستمر نمی‌دهد. میلیون‌ها نفر دیگر نیز دچار سوء تغذیه هستند، یعنی در غذای مصرفی خود به اندازه کافی ویتامین و پروتئین ندارند. مهندسی ژنتیک می‌تواند این امکان را فراهم کند که چنین کمبودهایی برطرف گردند. در واقع تولید غذای کافی در سال ۲۰۵۰ برای جمعیت جهان که حدود ۹,۴ میلیارد برآورد شده است، بدون بهره‌گیری از مهندسی ژنتیک بسیار بعید و غیرمحمول به نظر می‌رسد. مهندسی ژنتیک می‌تواند برای اهداف دیگری از قبیل تهیه داروهای پزشکی، کشاورزی، بازسازی محیط زیست و سوخت‌های جایگزین به کار رود.

از طرف دیگر، مهندسی ژنتیک نگرانی‌هایی را برای جامعه بین‌المللی ایجاد کرده است. برای مثال، این سؤال مطرح است که چنانچه منابع ژنتیکی جهان تغییر کند و مالکیت

11. Bioethics, "Shaping the Battle Field", www.eugenics-watch.com/roots/chap17.html.

گونه‌های ژنتیکی جدید در دست عده‌ای خاص در کشورهای پیشرفته قرار داشته باشد، آیا این امکان برای آنها به وجود نخواهد آمد که دسترسی میلیاردها انسان به غذا، بهداشت و منابع دیگر را کنترل کنند؟ سؤال دیگر این است که آیا هنگام صدور کالاهای ژنتیکی باید به دولت‌های واردکننده درباره تغییرات حاصله اطلاع داد یا خیر و اینکه آیا دولت‌های مزبور حق دارند از ورود چنین کالاهایی ممانعت به عمل آورند؟ مهندسی ژنتیک همچنین دغدغه‌های دیگری را نیز ایجاد کرده است، از جمله برهم خوردن توازن زیستی به خاطر دستکاری‌های ژنتیکی، کاهش تنوع زیستی بیوسفر به خاطر اصلاح ژنتیکی برخی از انواع جانداران و در نتیجه توان بیشتر آنها برای بقا.^{۱۲}

اینها گوشه‌ای از مسائلی است که درباره یکی از موضوعات، یعنی مهندسی ژنتیک مطرح هستند؛ موضوعی که امروز اندیشمندان علم و اخلاق با آن سر و کار دارند. سؤالات بسیار دیگری نیز درباره پدیده‌های جدید تکنولوژیک مانند بیومتریکس^{۱۳}، شبیه‌سازی، پیوند اعضا و پیوندهای بین گونه‌های مختلف وجود دارند. حساسیت به این پدیده‌ها و اهمیت آنها، به خصوص پدیده‌هایی که با حیات جانداران و به ویژه انسان مرتبط هستند، دو چندان است.

بر اثر این تحولات و مطرح شدن این موضوعات، به تدریج رشته جدیدی به نام «بیواتیک» یا «اخلاق زیستی» پدید آمد و این کلمه برای اولین بار در اواخر دهه شصت میلادی به کار برده شد. به احتمال زیاد اولین کسی که آن را به کار برد، ون رنسیلر پاتر

12. Murphy, Sean D., "Biotechnology and International Law", Harvard International Law Journal; Vol. 42, No. 1, winter 2001, pp.47-48.

13. Biometrics.

بود که در سال ۱۹۷۱ آن را در کتاب خود^{۱۴} به چاپ رساند. او عنوان ابداعی خود را "رشته جدیدی که دانش زیست‌شناختی را با دانش نظام‌های ارزشی انسانی ترکیب می‌کند"^{۱۵} تعریف کرد.

گروه دیگری از افراد نیز در همان دوران عبارت مذکور را به کار می‌بردند. اینها پژوهشگران مؤسسه‌ای پژوهشی به نام مرکز هیستینگز^{۱۶} بودند که به منظور پژوهش در این زمینه جدید تأسیس شده بود. علاوه بر پاتراین پژوهشگران نیز در زمینه اخلاق زیستی پیشگام به شمار می‌آیند؛ افرادی همچون دانیال کالاهن، ویلارد گیلین، رابرت مارک لاپه و دیگران.^{۱۷}

دیدگاه‌های این دو گروه نیز کمی با هم تفاوت داشت. پاتر بیشتر در این فکر بود که اگر انسان به همین میزان فعلی آلودگی ایجاد کند و از طرفی جمعیت انسانی نیز به همین صورت افزایش یابد، آیا امکان بقا برای جهان وجود خواهد داشت؟ او ضمن آنکه به دنبال چارچوبی اخلاقی برای بحث راجع به پدیده‌ها و یافته‌های جدید بیولوژی بود، در فکر طرحی اخلاقی بود که به تمام جنبه‌های حیات توجه داشته باشد.

پژوهشگران مرکز هیستینگز به طور کلی علاقمند به توسعه رشته جدیدی به نام اخلاق زیستی بودند چون می‌خواستند راه‌های جدیدی برای مواجهه با مسائل اخلاقی نو ظهوری

14. Van Rensselaer Potter; Bioethics: Bridge to the Future; Prentice-Hall Biological Science Series: Englewood Cliffs, 1971.

15. "A new discipline that combines biological knowledge with a knowledge of human value systems" Van Rensselaer Potter; Bioethics: Bridge to the Future; Prentice-Hall Biological Science Series: Englewood Cliffs, 1971, p. 2.

16. Hastings Center.

17. Daniel Callahan, Willard Gaylin, Robert Veatch & Marc Lappe.

که بر اثر پیشرفت بیولوژی و پزشکی پدید آمده بود پیدا کنند. برای مثال، دستگاه‌های پزشکی جدید این امکان را فراهم آورده بودند که پس از مرگ ظاهری بیمار، قلب و ریه‌های وی را فعال نگه دارند. اگر قلبی پس از مرگ مغزی بیمار حتی خارج از بدن وی همچنان فعالیت کند دیگر نمی‌توان گفت که «شخص به هنگام توقف فعالیت قلبی مرده است». پس شخص چه زمانی مرده به حساب می‌آید؟ مرگ را چگونه می‌توان تعریف کرد؟^{۱۸} بر عهده رشته اخلاق زیستی بود که پاسخ‌هایی برای چنین سؤال‌هایی پیدا کند. در واقع از دید این گروه، اخلاق زیستی ابزاری برای پاسخگویی به این گونه سؤال‌ها بود. به هر صورت، امروزه اخلاق زیستی را چنین تعریف می‌کنند: «مطالعه سیستماتیک ابعاد اخلاقی، از جمله بینش‌ها، تصمیمات، رفتارها و تدابیر اخلاقی علوم زیستی و مراقبت بهداشتی، با استفاده از متدولوژی‌های اخلاقی در چارچوبی (سیاقی) بین رشته‌ای».^{۱۹}

البته به دلیل اهمیت اخلاق زیستی و آثار و تبعات آن، تحقیق و تفحص در این رشته از سطح چند مرکز محدود پژوهشی فراتر رفته و اکنون در سطوح ملی و بین‌المللی نیز صورت می‌گیرد. در سطح ملی می‌توان از تأسیس کمیته‌های خاص ملی نام برد که برای توصیه، مشورت و تهیه قوانین در این زمینه تشکیل شده‌اند. اولین کمیته‌ای که برای انجام چنین وظایفی تأسیس شد، کمیته مشورتی ملی اخلاق برای علوم زیستی و بهداشتی^{۲۰} بود که در سال ۱۹۸۳ در فرانسه تأسیس شد.^{۲۱}

18. Bioethics, "Shaping the Battle Field", Ibidem.

19. Reich, Warren T., "Introduction", in: Reich (ed.), The Encyclopedia of Bioethics, Revised ed., New York: Simon Schuster Macmillan, 1995, p. xxi.

20. Comite consultative national d'ethique pour les sciences de la vie et de la sante.

21. Symonides, Janusz; "New Human Rights Dimensions, Obstacles and Challenges: Introductory Remarks", in: Symonides, J. (ed.), Human Rights: New Dimensions and Challenges, UNESCO, 1998, p 41; endnote 48.

در سطح منطقه‌ای، اقدامات صورت گرفته در اروپا شایان ذکر هستند. در این منطقه، فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای توسط اتحادیه اروپا و شورای اروپا صورت گرفته‌اند. در این خصوص باید به کنوانسیون ۱۹۹۶ کمیته وزرای شورای اروپا برای حمایت از حقوق بشر و شان فرد انسان در ارتباط با کاربرد بیولوژی و پزشکی اشاره کرد که حاوی مقرراتی به نسبت قابل توجه است. دو پروتکل اختیاری نیز برای این کنوانسیون تهیه شده‌اند که هر یک به زمینه‌ای خاص مربوط است.^{۲۲} همچنین تأسیس گروه مشاوران اخلاقیات بیوتکنولوژی کمیسیون اروپایی از اقدامات دیگری است که می‌توان نام برد.

در سطح جهانی نیز فعالیت‌هایی صورت گرفته است. تشکیل کمیته بین‌المللی بیواتیک توسط یونسکو و صدور سه اعلامیه مهم توسط یونسکو از جمله این فعالیت‌ها است.^{۲۳} همچنین صدور قطعنامه‌های متعدد توسط ارکان مختلف ملل متحد، از جمله تهیه راهنماهای مربوط به اخلاق زیستی و اعلامیه‌هایی خاص، و نیز فعالیت‌های سازمان بهداشت جهانی را نباید از نظر دور داشت.^{۲۴}

باید توجه داشت که اصول و قواعدی که در اسناد مختلف اخلاق زیستی در سطح بین‌المللی تدوین و تنظیم شده‌اند همگی از مبنای اخلاقی خاصی برخوردارند. این مبنای اخلاقی که آثار و تبعات مختلفی بر اصول و قواعد اخلاق زیستی و محتوا و دامنه آن می‌گذارد، در جوامع ملی و جامعه بین‌المللی تفاوت‌هایی دارد که ناشی از تفاوت بینش‌ها و رویکردهای اخلاقی در جوامع به نسبت همگن داخلی و جامعه متکثر بین‌المللی است. در

۲۲. پیوند اعضا و شبیه‌سازی انسان.

23. Resolution 5.165, 27th session, UNESCO General Conference.

24. E.g. Promotion and Protection of Human Rights: Science and Environment, *Human Rights and Bioethics*, E/CN.4/1999/90, & Ibidem, E/CN.4/2001/93.

این بخش ضمن اشاره به رویکردهای مختلف اخلاقی به علوم زیستی و پزشکی، به ارتباط اخلاق زیستی و نظام بین‌المللی حقوق بشر به عنوان مخرج مشترک ارزش‌های جوامع ملی پرداخته خواهد شد.

۲. رویکردهای اخلاقی و اخلاق زیستی

در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی، هنگامی که در ایالات متحده آمریکا مسائل اخلاقی جدیدی به واسطه پیشرفت‌های روز افزون علوم پزشکی و زیستی مطرح شد، متخصصین رشته‌های مختلف متوجه شدند که پیدا کردن راه حل و پاسخ‌های مناسب برای این مسائل جدید پیچیدگی‌هایی دارد که از عهده یک رشته خارج است و نیازمند بررسی فراگیر و بین‌رشته‌ای است. به همین دلیل بود که متخصصین رشته‌هایی همچون پزشکی، حقوق، الهیات، فلسفه و جامعه‌شناسی گرد هم آمدند و تلاش کردند چهارچوبی اخلاقی و اصولی کاربردی برای فعالیت‌های پزشکی و زیستی مربوط به انسان پیدا کنند و آن را به جامعه عرضه نمایند. ولی این افراد هنگام بحث و تبادل نظر با یکدیگر متوجه مشکلات مرتبط با اخلاق زیستی شدند.

فلاسفه متوجه شدند که سطح انتزاع رشته آنها پاسخگوی مسائل کاربردی پزشکی و علوم نیست. الهیون احساس کردند باورهای مذهبی آنها که منشاء رشته آنها است برای همه طرف‌ها قابل پذیرش نیست. جامعه‌شناسان متوجه شدند که ویژگی توصیفی رشته آنها نمی‌تواند فاصله مسائل توصیفی تا مباحث دستوری را طی کند. حقوقدانان دیدند که وجهه تهدیدآمیز قانون، افرادی که آنها با حسن نیت مورد خطاب قرار می‌دادند را فراری می‌دهد. دانشمندان و پزشکان، که درگیر پوزیتیویسم معرفت‌شناختی و شکاکیت اخلاقی

حاکم در آن زمان بودند، نمی‌توانستند به راحتی دیدگاه‌های بسیار شخصی و ذهنی خود را درباره ارزش‌ها کنار بگذارند.^{۲۵}

در چنین اوضاع و احوالی به سختی می‌شد به نتیجه واحدی دست یافت؛ به خصوص اینکه هر یک از طرف‌های بحث رویکردهای اخلاقی متفاوتی داشتند. همین مسأله در انگلستان نیز وجود داشت.^{۲۶} در ۱۹۸۲ کمیته‌ای در انگلستان تأسیس شد تا مسائل اجتماعی، اخلاقی و حقوقی مربوط به پیشرفت‌های حاصل را در زمینه تولید مثل انسانی مورد بررسی قرار دهد. ریاست این کمیته سلطنتی را یکی از فلاسفه به نام انگلستان، خانم مری وارناک^{۲۷} بر عهده داشت. او در مقدمه گزارش کمیته که در سال ۱۹۸۴ منتشر شد تأکید کرد که هیچ یک از دیدگاه‌های تکلیف‌گرا و سودانگار مورد اتفاق اعضای کمیته نبودند. در نهایت او اظهار داشت که:

بسیار باید تأکید کرد که در مسائل اخلاق، هر چند ممکن است داوری‌های بهتر و بدتر وجود داشته باشد، ولی چیزی به عنوان داوری صحیح وجود ندارد.^{۲۸}

هر چند این دیدگاه نسبی‌انگار است، ولی شاید کوتاه‌ترین و شیواترین بیان از واقعیت مباحث اخلاق زیستی است. این واقعیت را در هر یک از مباحث و موضوعات مربوط به اخلاق زیستی به وضوح می‌توان مشاهده کرد. دلیل این امر چیزی نیست جز اینکه

25. Jonsen, Albert R., *The Birth of Bioethics*, Oxford University Press, 1998, p. 326.

۲۶. در ایران هم که مدتی است مسائل اخلاق زیستی و پزشکی مورد توجه بیشتری قرار گرفته و متخصصین رشته‌های مختلفی درباره آن اظهار نظر می‌کنند، این مسأله به وضوح ملاحظه می‌شود.

27. Mary Warnock.

28. "It cannot be too strongly emphasized that in questions of morality, though there may be better or worse judgments, there is no such thing as a correct judgment", Mary Warnock, *A Question of Life*, Oxford, 1985, pp. x, 96.

رویکردها و باورهای اخلاقی یکسان نیستند و نتایجی که از تفسیر و توصیف هر پدیده به خصوصی در پرتو هر کدام از دیدگاه‌های اخلاقی صورت می‌گیرد متفاوت است. حتی پیروان نظریه اخلاقی خاصی نیز ممکن است در آثار و نتایج حاصل از نظریه کلی مورد قبول خود در خصوص پدیده‌ای علمی اتفاق نظر نداشته باشند.

برای مثال، برخی از پیروان نظریه اخلاقی کانت شبیه‌سازی انسان را ممنوع می‌دانند و برخی دیگر چنین ممنوعیتی را از آن نظریه استنباط نمی‌کنند. برخی از سود انکاران فواید حاصل از شبیه‌سازی را برتر از مضرات آن می‌دانند و برخی دیگر بر این باورند که این فن-آوری در حال حاضر نمی‌تواند "بیشترین فایده را برای بیشترین تعداد افراد" به ارمان آورده. به عبارت دیگر، اختلافات درباره درستی یا نادرستی شبیه‌سازی الزاماً به خاطر عقاید اخلاقی متفاوت نیستند، بلکه ریشه در تفاوت برداشت از مفاهیم دارند، مفاهیمی به ظاهر ساده و روزمره، همچون انسان، شأن بشر، حیات انسان و مانند آنها.^{۲۹}

مسئله دیگر، سطح و ماهیت مباحث اخلاق زیستی است. به عبارت دیگر، ضمن آنکه نظریه‌های کلی اخلاقی^{۳۰} متفاوتی وجود دارند، سطحی که مسائل مختلف ممکن است مد نظر قرار گیرند تفاوت دارد. هر قضاوت یا داوری اخلاقی که درباره مسئله‌ای خاص انجام می‌شود به موجب قواعدی صورت می‌گیرد که این قواعد بر اساس اصولی تنظیم شده‌اند.

29. See in this regard: Beauchamp, Tom L. and Childress, James F., *Principles of Biomedical Ethics*, fourth edition, Oxford University Press, 1994, pp. 16-17. To quote Beauchamp and Childress: "...moral debate sometimes stems more from disagreement about the correct scientific, metaphysical, or religious description of the situation or from different conceptual accounts than from disagreement about the relevant moral action-guides".

30. General ethical theories.

این اصول، خود مشتق از نظریه کلی اخلاقی است. با توجه به تفاوت نظریات کلی اخلاقی، داوری‌هایی که درباره هر موضوع معینی انجام می‌شود تفاوت‌های فاحش و بنیادینی با یکدیگر دارند.

علاوه بر این، در مباحث اخلاق زیستی طرف‌های بحث گاه از سطح و ماهیت متفاوتی به مسائل می‌پردازند. برخی در سطح نظریات کلی و برخی در سطح قواعد. از نظر ماهیت بحث نیز برخی به ابعاد دستوری^{۳۱} اهتمام می‌ورزند و به بررسی نظریات کلی اخلاقی^{۳۲} یا اخلاق کاربردی^{۳۳} می‌پردازند، برخی دیگر به اخلاق غیر دستوری^{۳۴}، از قبیل اخلاق توصیفی^{۳۵} و متاتیک^{۳۶} اهمیت بیشتری می‌دهند. البته این جوانب علم اخلاق بر هم دیگر تأثیر دارند و به منظور ارائه نظریه کلی اخلاقی یا بررسی آن باید به همه این جنبه‌ها توجه داشت.

به هر صورت، دیدگاه غالب این است که اخلاق زیستی در حقیقت همان نظریه‌های اخلاقی کلی از پیش موجود است که مسائل جدیدی را خطاب قرار می‌دهد. در نتیجه، لازم است مهم‌ترین این نظریه‌ها^{۳۷} به صورت بسیار خلاصه معرفی شوند.

31. Normative ethics.

32. General normative ethics, which attempts to find such general norms for the guidance and evaluation of conduct that are worthy of acceptance and the justifying reasons therefor. This approach is central to developing a general theory of ethics.

33. Practical or applied ethics: the use of ethical theory and methods of analysis to examine moral problems, practices, and policies in several areas, including the professions and public policy.

34. Non-normative ethics.

35. Descriptive ethics: the factual investigation of moral behavior and beliefs.

36. Metaethics: the analysis of language, concepts and methods of reasoning in ethics.

۳۷. نظریه‌های اخلاقی متعددی درباره اخلاق زیستی مطرح هستند، از جمله نظریه‌های اخلاقی مذهبی، حق محور، اجتماعی (communitarian)، فمینیستی، موردی (casuistry)، فضیلت‌گرا (virtue theory) و



نظریات اخلاقی معمولاً به انواع مختلفی تقسیم می‌شوند. این تقسیم‌بندی با توجه به اهمیتی که هر نظریه برای عناصر سازنده نظریه^{۳۸} قایل است صورت می‌گیرد. مهم‌ترین و نافذترین نظریات اخلاقی امروز در حقیقت تکلیف‌گرایی و نتیجه‌گرایی^{۳۹} هستند. هر یک از این نظریات به عناصر، مفاهیم و مبانی مختلفی اهمیت بیشتری می‌دهد^{۴۰} که در اینجا به این نظریات اشاره مختصری خواهد شد^{۴۱}.

۱.۲. تکلیف‌گرایی^{۴۲}

تکلیف‌گرایی اخلاقی مبتنی بر این دیدگاه است که درستی و نادرستی عمل به نتایج آن ارتباطی ندارد و صرف تکلیف ناشی از دستورات اخلاقی اهمیت دارند. اگر عامل

اخلاق مشترک (common morality). در اینجا تنها به دو نظریه که در چهارچوب این نوشته برای نشان دادن ارتباط اخلاق زیستی بین‌المللی با نظام بین‌المللی حقوق بشر اهمیت بیشتری دارند پرداخته می‌شود: اصالت تکلیف و اصالت فایده. برای اطلاع از برخی از نظریه‌های پیش‌گفته در سیاق بحث اخلاق زیستی به منبع زیر مراجعه کنید:

Beauchamp, Tom L. and Childress, James F., *Principles of Biomedical Ethics*, fourth edition, Oxford University Press, 1994.

۳۸. همچون ذات یا نتیجه عمل یا عامل امر اخلاقی.

39. Consequentialism.

۴۰. برای مثال در مقوله تکلیف‌گرایی، اخلاق مذهبی یا به عبارتی رویکردهای مذهبی به اخلاق نیز گنجانده می‌شوند.

۴۱. علاقمندان می‌توانند جهت آشنایی بیشتر با نظریات کلی اخلاقی و برخی مسائل فرا اخلاقی (متاتیک) به منبع زیر مراجعه کنند:

هولمز، رابرت ال، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، ققنوس، ۱۳۸۲.

42. "Duty based", "Deontological" or "Kantian" ethics. The word deontology is derived from the Greek words for duty (*deon*) and science or study of (*logos*).

مطابق با این دستورات عمل کند، صرف‌نظر از آثار و نتایجی که عمل او به بار می‌آورد، عمل او را می‌توان اخلاقی دانست. این مکتب تقریباً با نام کانت مترادف شده است. نظریه اخلاقی این فیلسوف به نام آلمانی تأثیر بسیار زیادی در فلسفه اخلاق گذاشته است. در اینجا به بیان چهارچوب کلی نظریه او و مهم‌ترین نقدهایی که به آن وارد شده است بسنده خواهد شد.^{۴۳}

رویکرد فلسفه اخلاقی کانت به مسائل استنتاجی است. در نظام اخلاقی مورد نظر کانت، درستی و نادرستی اعمال به نتایج آنها بستگی ندارد، بلکه از اصولی ناشی می‌شود که هر پدیده‌ای در پرتو آن اصول باید سنجیده شود. از نظر کانت، انسان موجودی است عاقل^{۴۴} و توان و اختیار مقاومت در برابر خواست‌های نفسانی را دارد. از نظر او، انسان اراده

۴۳. برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه شود:

- کانت، ایمانوئل، *درس‌های فلسفه اخلاق*، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۰.
- سالیوان، راجر، *اخلاق در فلسفه کانت*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، طرح نو، ۱۳۸۰.
- هولمز، رابرت ال، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، ققنوس، ۱۳۸۲
- Alexander, Larry and Moore, Michael, "Deontological Ethics", The Stanford Encyclopedia of Philosophy, at: <http://plato.stanford.edu/archives/spr2004/entries/ethics-deontological> .
- Johnson, Robert, "Kant's Moral Philosophy", The Stanford Encyclopedia of Philosophy (spring 2004 edition), at: <http://plato.stanford.edu/archives/spr2004/entries/kant-moral>; this reference contains a reasonable bibliography on Kant's ethical theory.
- Pojman, Louis P., *Ethical Theory: Classical and Contemporary Readings*, Wadsworth Publishing Company, 1998.

44. Rational.

و اختیاری دارد که او را قادر می‌سازد تصمیمی بر اساس اصول اخلاقی جهانی اتخاذ نماید و بنابر چنین تصمیم عقلانی عمل کند. کانت عقیده دارد که عمل انسان زمانی دارای ارزش اخلاقی است که بر اساس دستور اخلاقی^{۴۵} جهان‌شمول صورت گرفته باشد. علاوه بر این، ارزش اخلاقی عمل فرد به این بستگی خواهد داشت که فرد نه تنها مطابق با چنین دستوری عمل کند، بلکه به خاطر نفس تعهد و تکلیف اخلاقی به آن عمل کرده باشد، نه به خاطر ملاحظاتی دیگر^{۴۶}. محور اساسی نظریه کانت، "امر مطلق" است:

... بر طبق نظریه سیاسی کانت، مناسبات اشخاص با یکدیگر در وضع طبیعی و نیز در جامعه مدنی، آمیخته به اختلاف و مخالفت‌های ناشی از امیال متعارض است. نظیر این کشمکش در باطن هر کس نیز وجود دارد که به صورت تعارض میان عقل و خواهش‌های نفسانی به تجربه درمی‌آید. ممکن است نخواهیم از قانون اخلاق اطاعت کنیم؛ همچنین ممکن است امیالی داشته باشیم - که غالباً داریم - که ترضیه آنها را ترجیح بدهیم. به این جهت، کلیه قوانین اخلاقی به صورت اوامر^{۴۷} به ما جلوه گر می‌شوند. به علاوه، چون هیچ چیز نمی‌تواند بی‌اعتنایی ما را به وظایف اخلاقی توجیه کند، بی‌قید و شرط و مطلقاً^{۴۸} به آنها التزام داریم. بنابراین، کانت در بنیادها هنجار نهایی^{۴۹} اخلاق را «امر مطلق»^{۵۰} می‌خواند.

45. Ethical maxim.

۴۶. همچون لذت شخص از انجام عمل درست، ترس از دعوای حقوقی، بیم داشتن از داوری دیگران و غیره.

47. Imperatives.

48. Categorically.

49. Ultimate norm.

چنین هنجاری یکتاست و وجود بیش از یکی از آن ممکن نیست (۴۲۱)، ولی کانت سه صورت از آن به شکل سه فرمول ارائه می‌دهد که هر یک دارای محل تأکید خاص خود است. او صورت اول را ترجیح می‌دهد، اما معتقد است که تعبیرهای لفظی به دلیل احیاناً معنای آن را روشن‌تر می‌نمایند و برای ما که خوانندگان او باشیم، متقاعدکننده‌تر می‌کنند (۷-۴۳۶).

صورت اول - فرمول خودآیینی یا فرمول قانون عام: «هرگز نباید به شیوه‌ای عمل کنم که نتوانم همچنین اراده کنم که ضابطه [رفتاری] من به صورت قانون عام در آید» (۴۰۲).
صورت دوم - فرمول احترام به کرامت اشخاص: «چنان عمل کن که انسان را، خواه شخص خودت و خواه دیگران، همواره غایت بدانی، نه هرگز صرفاً وسیله» (۴۲۹).
صورت سوم - فرمول قانونگذاری برای جامعه‌ای اخلاقی: «همه ضابطه‌های ناشی از قانونگذاری خود ما باید با یک ملکوت امکانی غایب^{۵۱} چنان هماهنگ باشند که گویی [آن ملکوت] ملک طبیعت^{۵۲} است» (۴۳۶)^{۵۳}.

بنابراین، یکی از ویژگی‌های اساسی نظریه کانت مطلق‌گرایی است. فلسفه او مبتنی است بر دستورهای مطلق که جهان‌شمول بوده و مشروط^{۵۴} نیستند. جهان‌شمولی دیدگاه

۵۰. Categorical imperative ... توجه خوانندگان را به این نکته لغوی جلب می‌کنیم که «امر» در اینجا به معنای فرمان و دستور (در مقابل نهی) و جمعش «اوامر» است، نه «امر» به معنای چیز یا کار که صیغه جمع آن می‌شود «امور». همچنین باید متوجه بود که در کانت، فرق است میان «امر» (imperative) و فرمان (command)، و اولی تعبیر لفظی دومی است. (مترجم)

51. A possible kingdom of ends.

52. Kingdom of nature.

۵۳. سالیوان، راجر، اخلاق در فلسفه کانت، ترجمه عزت‌الله فولادوند، طرح نو، ۱۳۸۰، ص ۶۱ تا ۶۳.

۵۴. دستورهای اخلاقی مشروط (hypothetical) بر خلاف دستورهای مطلق دارای جهت و فرضیه هستند. برای مثال، دستور اخلاقی "راستگو باش" دستوری است مطلق، در حالی که دستور "اگر می‌خواهی مورد

کانت از صورت اول امر مطلق او ناشی می‌شود. انسان باید به گونه‌ای رفتار کند که در عین حال بتواند با اراده آزاد و عقل، خواهان همگانی و جهانی شدن عمل خود باشد.^{۵۵} اراده کردن^{۵۶} در اینجا معنایی خاص دارد. اراده کردن متمایز از تمایل داشتن به چیزی یا خواستن آن است. اراده کردن از نظر کانت یعنی به کار بردن عقل عملی و متمرکز شدن بر دست‌یابی به هدفی معین. همین کاربرد عقل و وجود اختیار است که مفهوم اراده خیر^{۵۷} را در فلسفه او معنا می‌بخشد و موجب می‌شود هر عمل اخلاقی، ارزش خود را از انطباق با قانون اخلاقی کسب کند.^{۵۸}

ویژگی دیگر فلسفه او که تأثیر به‌سزایی در حقوق بشر داشته، غایت دانستن هر فرد است و اینکه افراد نباید تنها به عنوان وسیله تلقی شوند. قید "تنها" در اینجا اهمیت بسیاری دارد و در قسمت قبل به توضیح آن پرداخته شده است. غایت بودن هر انسان اهمیت

احترام و اعتماد باشی، راستگو باش" دستوری مشروط است. دستور اخلاقی مطلق مورد نظر کانت در هر شرایطی و صرف‌نظر از آثار و تبعات آن صدق می‌کند و انسان اخلاقی باید به آن عمل کند.^{۵۵} جهان‌شمولی دستورهای اخلاقی تنها منحصر به فلسفه کانت نبوده و از نظر مکاتب دیگر نیز اهمیت دارد. ولی لازم به ذکر است که جهان‌شمولی هر چند شرط لازم امر اخلاقی دانسته شده، شرط کافی عمل اخلاقی نیست و برخی اعمال را می‌توان تصور کرد که قابلیت جهان‌شمولی داشته ولی ارزش اخلاقی ندارند. برای توضیح بیشتر و مثال به منابع پیش گفته رجوع شود.

56. To will.

57. Good will.

۵۸. به عبارت دیگر، عملی ارزش اخلاقی دارد که عامل در اتخاذ تصمیم عمل به آن تنها به خاطر تکلیف ناشی از اصول اخلاقی حاکم بر آن و به خاطر خود این تکلیف که بر اساس عقل و اختیار به آن واقف گشته عمل کرده باشد. نتیجه آنکه تنها در مواردی که فرد اختیار انجام عمل دیگری داشته باشد می‌توان به اخلاقی بودن عمل او اظهار نظر کرد و اگر همچون فرشتگان اساساً اختیاری یا تمایلی برای انجام عملی غیر از آنچه عقل به خیر بودن آن حکم می‌کند نداشته باشد، دیگر عمل او، حتی اگر مطابق با اصول مورد نظر کانت هم باشد، ارزش اخلاقی نخواهد داشت.

بسیاری دارد و با مفهوم اتونومی مورد نظر کانت مرتبط است. این دیدگاه کانت موجب نشر و استقرار احترام برابر افراد به صرف انسان بودن آنها به عنوان نگرشی جدید شد. همین احترام برابر افراد و اتونومی آنها است که هر کس را قانونگذار خود می‌کند و موجب نفی تفوق یکی بر دیگری می‌شود. همین مفهوم است که به صورت اول امر مطلق کانت جان می‌بخشد و هر فرد را قادر می‌سازد به قوانین اخلاقی جهان‌شمول آگاه شده و به آنها عمل کند.

از نظر کانت، از آنجا که انسان‌ها موجوداتی عاقل هستند و هر یک می‌توانند با اراده آزاد، اخلاقی عمل کنند، پس همه شأن و منزلتی برابر با هم دارند و از این نظر هیچ کس بر دیگری برتری ندارد. این برابری افراد در اختیار کردن گزینه‌ای اخلاقی قلب‌تپنده مفهوم اتونومی^{۵۹} است که جایگاه محوری در فلسفه اخلاق کانت دارد. در حقیقت، مشروعیت اخلاقی امر مطلق که کانت اعلام داشته ناشی از اتونومی افراد است، زیرا هر فرد خود قانونگذار خود بوده، هیچ عامل خارجی بر انتخاب گزینه اخلاقی او وجود ندارد. مفهوم اتونومی در فلسفه کانت به این معنی است که افراد آگاهانه مطابق با اصول اخلاقی جهان‌شمولی که با امر مطلق انطباق داشته باشند بر اساس اراده خودشان عمل کنند. به عبارت دیگر، اتونومی یعنی اینکه فرد به نحوی عمل کند که اصول معیار عمل او بتواند اعتباری جهان‌شمول داشته باشد و شرط چنین اعتباری، انطباق با امر مطلق است. از آنجا که اراده کردن آن عمل مبتنی بر عقل عامل است، آن گزینه برای او اعتبار داشته و ارزش اخلاقی خواهد داشت.

59. Autonomy, as opposed to heteronomy (being any controlling influence over the will other than motivation by moral principles).

تمثیل این مسأله را در مشروعیت دولت‌هایی می‌توان دانست که از اراده مردم سرزمینی برخاسته‌اند و مطابق با اراده و خیر آن مردم قانونگذاری می‌کنند. چنین دولتی آزاد است چون اتباع آن تنها ملزم به قوانینی هستند که از اراده خود آنها نشأت گرفته‌اند. بنابراین، اراده سیاسی حاکم خارج از اراده اتباع نیست بلکه از درون خود آنها ناشی شده است. در مقابل، دولت‌های خودکامه یا دست‌نشانده که برخلاف اراده مردم تابع خود قوانینی را وضع و اجرا می‌کنند فاقد مشروعیت شناخته می‌شوند و اتباع آنها آزاد نیستند.⁶⁰

البته فلسفه اخلاق کانت صرف نظر از تأثیر و نفوذ بسیارش، از چند جهت نیز نقد شده است. یکی از مهم‌ترین انتقادهای وارد بر این نظریه مسأله تعهدات متعارض است. از آنجا که فلسفه اخلاق کانت مطلق‌گرا است راه‌حلی برای تعهدات متعارض ناشی از اوامر اخلاقی متفاوت ارائه نمی‌کند. برای مثال چنانچه فردی تعهد کرده باشد که در ساعت معینی در محلی حاضر شود و با شخصی ملاقات کند متعهد به قول خود است چون امر اخلاقی وفای به عهد چنین الزامی را برای او ایجاد خواهد کرد. ولی اگر همین شخص در راه خود به محل قرار فردی را ببیند که در حال غرق شدن است ملزم است جان او را نجات دهد و به تکلیف ناشی از امر مطلق غایت شمردن/فرد عمل کند. در این حالت فرد مذکور نمی‌تواند به هر دو تکلیف عمل کند و به ناچار باید بین این دو، یکی را برگزیند.

نقد دیگری که بر فلسفه اخلاق کانت وارد می‌شود، تأکید بیش از حد بر قاعده و بی‌توجهی به روابط انسانی است. واضح است که همه روابط انسانی مبتنی بر تعهدات ناشی از اوامر اخلاقی و قواعد خشک و انعطاف‌ناپذیر نیستند. برای مثال روابط والدین با فرزندان و

60. Johnson, Robert, "Kant's Moral Philosophy", The Stanford Encyclopedia of Philosophy (spring 2004 edition), at: <http://plato.stanford.edu/archives/spr2004/entries/kant-moral>, section 10 on autonomy.

همسران نسبت به یکدیگر مبتنی بر دستورات اخلاقی مطلق و قواعد تغییرناپذیر نیستند. والدین مسئولیت‌های خود در قبال فرزندان را از نوع تکالیف قراردادی نمی‌دانند، بلکه جنس این نوع رابطه بیشتر از عشق، مراقبت، نیاز و همبستگی است.

نقد دیگری نیز به فلسفه کانت وارد شده است که این مکتب، چندان کاربردی نمی‌تواند داشته باشد. فلسفه او بیشتر دچار فرمالیسم است و به محتوا توجه کافی ندارد. همچنین، امر مطلق مورد نظر او نیز محدودیت‌هایی دارد که نمی‌توان از آن برای مسائل روزمره استفاده کرد. خود کانت نیز گاهی برای توجیه امر مطلق به منبعی دیگر متوسل می‌شود. برای مثال، در استدلال علیه خودکشی و توجیه غیر اخلاقی بودن آن، کانت به دین و خدا متوسل می‌شود و از این منظر آن را رد می‌کند.^{۶۱}

همچنین، اشاره شد که برخی از پیروان این مکتب شبیه‌سازی انسان را غیر اخلاقی نمی‌دانند و برخی دیگر آن را ممنوع اعلام کرده‌اند. این تفاوت رویکرد به خاطر انتزاع بیش از حد این مکتب و عدم توجه به مفاهیمی است که بتواند محتوایی برای مباحث اخلاق زیستی همچون شبیه‌سازی فراهم آورد.

۲.۲. نتیجه‌گرایی^{۶۲}

مکتب دیگری که به طور معمول نقطه مقابل تکلیف‌گرایی تلقی می‌شود، نتیجه‌گرایی اخلاقی است. پیروان این مکتب عقیده دارند که ارزش اخلاقی اعمال یا مقاصد را تنها با بررسی آثاری که در پی دارند می‌توان سنجید. بر خلاف تکلیف‌گرایی اخلاقی، در این مکتب آنچه اهمیت دارد خود عمل نیست، بلکه نتیجه حاصل از آن است که مورد توجه

61. Beauchamp, Tom L. and Childress, James F., Principles of Biomedical Ethics, fourth edition, Oxford University Press, 1994, pp 61-62.

62. Consequentialism. See: Sinnott-Armstrong, Walter, "Consequentialism", Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2006, at: <http://plato.stanford.edu/entries/consequentialism>.

قرار می‌گیرد و معیار درستی یا نادرستی است. نتیجه‌گرایان ابتدا خیر مورد نظر خود را بیان می‌دارند و آنگاه آن گزینه‌ای را تأیید می‌کنند که بیشترین خیر را فراهم آورد.^{۶۳}

مفهوم خیر از جمله موارد مورد اختلاف نتیجه‌گرایان است. برخی با نگرشی وحدت-گرا^{۶۴} خیر را لذت^{۶۵}، سعادت^{۶۶}، ارضای خواسته‌ها، یا رفاه تعریف می‌کنند. برخی دیگر کثرت‌گرا^{۶۷} هستند و خیر را در امری واحد خلاصه نمی‌کنند. مسأله دیگر، نحوه توزیع خیر بین افراد است. خود این توزیع مورد اختلاف زیادی است و نظریه‌های متعددی درباره آن وجود دارد.^{۶۸} با وجود این اختلافات درباره مفهوم خیر و نحوه توزیع آن، نتیجه‌گرایان اساساً عقیده دارند گزینه درست اخلاقی آن است که خیر را افزایش دهد.^{۶۹}

مهم‌ترین نظریه‌ای که در این مکتب ارائه شده و در واقع خاستگاه نتیجه‌گرایی است، فایده‌گرایی یا سودانگاری^{۷۰} نام دارد. عملی از نظر اخلاقی درست است که با موازنه گزینه‌های مختلف، گزینه‌ای انتخاب شود که بیشترین خیر را برای بیشترین تعداد افراد در بر داشته باشد. این تعبیر ساده در واقع بیان رویکرد کلاسیک به فایده‌گرایی است که توسط

63. Alexander, Larry and Moore, Michael, "Deontological Ethics", The Stanford Encyclopedia of Philosophy, at: <http://plato.stanford.edu/archives/spr2004/entries/ethics-deontological>.

64. Monist.

65. Pleasure.

66. Happiness.

67. Pluralist.

۶۸. از جمله این طرفداران دیدگاه‌های مختلف درباره نحوه توزیع خیر، می‌توان به این موارد اشاره کرد: مساوات‌گرایان (egalitarians)، کسانی که معتقدند حداقلی از خیر را برای بیشترین تعداد افراد باید فراهم کرد (maximiners)، اولویت‌گرایان (prioritarians).

69. Alexander, Larry and Moore, Michael, Ibidem.

70. Utilitarianism.

بنام^{۷۱}، میل^{۷۲} و سیجویک^{۷۳} مطرح شده است. رویکرد کلاسیک فایده‌گرایی، نتیجه‌گرایی ناظر به عمل لذت‌گرا^{۷۴} است. به عبارت دیگر، از نظر فایده‌گرایان کلاسیک تنها خیر، لذت^{۷۵} و تنها شر، درد^{۷۶} است. البته رویکرد کلاسیک از جهات مختلفی مورد نقد قرار گرفته است که در زیر به برخی از نقدها اشاره خواهد شد. ولی لازم به یادآوری است که این رویکرد، اساس نظریات نتیجه‌گرا است. بنابراین لازم است برخی از عناصر آن دقیق‌تر بیان شوند تا علت پیدایش برخی شعب دیگر فایده‌گرایی و نتیجه‌گرایی مشخص شود. رویکرد سنتی فایده‌گرایی، ناظر به عمل است. یعنی پیروان این رویکرد به عمل هر عامل توجه دارند و در هر مورد لازم می‌دانند ارزیابی شود که آیا بیشترین خیر فراهم می‌شود یا نه. به عبارت دیگر، سودنگری ناظر به عمل مقرر می‌دارد: عمل آدمی درست است اگر، و تنها اگر، دست کم به اندازه هر عمل دیگری که می‌تواند انجام دهد برای جمیع مردمانی که از آن تأثیر می‌پذیرند تفاضل مثبت خیر را بر شر به بار آورد^{۷۷}.

این نگرش از جهات بسیاری مورد نقد قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین نقدها مربوط به این واقعیت است که درد و لذت افراد را نمی‌توان به درستی اندازه‌گیری کرد. ضمن

71. Jeremy Bentham, An Introduction to the Principles of Morals and Legislation, 1789.

72. John Stuart Mill, Utilitarianism, 1861.

73. Henry Sidgwick, The Methods of Ethics, 1907.

74. Hedonistic act consequentialism.

75. البته حتی بین پیروان دیدگاه سنتی فایده‌گرایی، از نظر اینکه لذت کمی باشد یا کیفی اختلاف وجود دارد. نگاه کنید به:

Sinnott-Armstrong, Walter, "Consequentialism", Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2006, at: <http://plato.stanford.edu/entries/consequentialism>.

76. Pain is the only intrinsic bad.

77. هولمز، رابرت ال، مبانی فلسفه اخلاق، ترجمه مسعود علیا، ققنوس، ۱۳۸۲، ص ۲۶۸.

آنکه برخی افراد ممکن است از چیزی که برای بیشتر مردم دردآور باشد لذتی مازوخیستی ببرند. مسأله دیگر اینکه بر اساس چنین نگرشی، می‌توان فرد بی‌گناهی را شکنجه کرد، تبعید کرد یا اعدام کرد تا جرایم جامعه کاهش یابند و به این وسیله، لذت را برای بیشتر مردم افزون نمود! ولی چنین امری از دید بیشتر مردم خلاف عدالت و اخلاق است. بنابراین، به نظر می‌رسد که رویکرد سنتی فایده‌گرایی با تأکید صرف بر لذت^{۷۸} بیشتر برای بیشترین افراد، آن هم با تأکید بر اعمال صرف، نمی‌تواند سیستم اخلاقی مناسبی برای زندگی روزمره ارائه نماید.

این انتقادات در کنار نقدهای دیگر موجب شدند نظریات دیگری از فایده‌گرایی و نتیجه‌گرایی منشعب شوند. مهم‌ترین این نظریات، فایده‌گرایی ناظر به قاعده^{۷۹} است. طرفداران این نظریه به جای آنکه نتایج هر عمل را به صورتی جداگانه ارزیابی کنند تا درستی یا نادرستی اخلاقی آن را بسنجند، اعمال را تابع قواعدی می‌کنند که تبعیت از آنها در کل موجب خیر بیشتری برای بیشترین افراد خواهد شد. برای مثال، از آنجا که مجازات افراد بی‌گناه به طور کلی شر بیشتری به همراه خواهد داشت، فایده‌گرایان ناظر به قاعده تابع اصل برائت افراد بی‌گناه هستند.

مثالی دیگر به روشن شدن بیشتر تفاوت این دو رویکرد کمک خواهد کرد: اگر در موردی فردی بدهکار فرد دیگری باشد و بستانکار طلب خود را فراموش کرده باشد، پیروان فایده‌گرایی ناظر به عمل معتقدند که در اینجا چون عدم پرداخت بدهی برای فرد

۷۸. تفکیکی هم که میل بین لذات پست و عالی قائل می‌شود کاملاً شخصی است و مورد انتقاد قرار گرفته است:

Warburton, Nigel, *Philosophy: The Basics*, Routledge, 4th edition, 2005, pp.49-50.

79. Rule utilitarianism.

بدهکار لذت بیشتری موجب خواهد شد و فرد بستانکار به خاطر فراموش کردن طلب خود از عدم وصول طلب دچار درد و ناراحتی نمی‌شود، فرد بدهکار مجاز است بدهی خود را نپردازد. ولی پیروان فایده‌گرایی ناظر به قاعده اظهار می‌دارند از آنجا که رعایت قاعده وفای به عهد به طور کلی خیر را بیشتر خواهد کرد، حتی اگر در موارد خاصی مثل نمونه حاضر بتوان آن را نقض کرد، لازم است بدهی پرداخت شود و قاعده وفای به عهد مراعات گردد، زیرا تنها از این طریق است که می‌توان خیر بیشتری برای افراد هر چه بیشتر فراهم نمود.^{۸۰} به تعبیر دکتر هوکر^{۸۱}:

خیری که ممکن است به واسطه فریبکاری در موارد اندکی حاصل شود، در مقایسه با شری که در موارد بسیاری موجب خواهد شد تقریباً هیچ است... و هنگامی که شر حاصل از پذیرش نظام کلی فریبکاری را در کنار این واقعیت قرار دهیم، اهمیت تبعیت محض از حقیقت در تعامل با بیماران، حتی به دلیل مصلحت، به طرز غیر قابل محاسبه‌ای زیاد می‌شود.

دکتر هوکر خود تابع فایده‌گرایی ناظر به قاعده بود، و از این واقعیت آگاهی داشت که در برخی موارد سلامتی بیمار با فریب او می‌تواند بیشتر و بهتر شود؛ ولی با این استدلال در برابر این کار ایستادگی کرد و مدعی بود که گسترش فریب و نیرنگ در پزشکی، شری به مراتب بیشتر از خیر موجب خواهد شد.

80. Warburton, Nigel, *Philosophy: The Basics*, Routledge, 4th edition, 2005, pp.53-54.

81. Worthington Hooker, a prominent nineteenth-century figure in academic medicine and ethics. See: Beauchamp, Tom L. and Childress, James F., *Principles of Biomedical Ethics*, fourth edition, Oxford University Press, 1994, p 51.

خلاصه دیدگاه فایده‌گرایی ناظر به قاعده به شرح زیر است:
عمل آدمی درست است اگر بر وفق قاعده‌ای باشد که تبعیت همگانی از آن به اندازه هر قاعده بدیل دیگری، برای جمیع مردمانی که از آن تأثیر می‌پذیرند تفاضل مثبت خیر را بر شر به بار آورد.^{۸۲}

علاوه بر اینها، باید متذکر شد قواعدی که ممکن است ملاک باشند خود به واقعی و آرمانی تقسیم می‌شوند. قواعدی که در جامعه وجود دارند به قواعد واقعی موسوم بوده، و قواعدی که مطلوب هستند و می‌توانند بهترین نتایج را در پی داشته باشند، قواعد آرمانی نام دارند.^{۸۳}

آیا قواعد مورد نظر...، قواعدی واقعی است که در جامعه موجود است؟ یا این که قواعدی است که اگر [مردم] آنها را در پیش می‌گرفتند بهترین نتایج را به بار می‌آورد (قواعد آرمانی)، و قواعدی که اگر جامعه می‌توانست در آن خصوص تصمیمی کاملاً عقلانی بگیرد چه بسا آنها را در پیش می‌گرفت....

سودنگرهایی را که به قواعد مرسوم و موجود جامعه استناد می‌کنند می‌توان در زمره اصحاب سودنگری ناظر به قاعده واقعی به شمار آورد و آنهایی را که استنادشان به قواعد آرمانی است در شمار اصحاب سودنگری ناظر به قاعده آرمانی.^{۸۴}

بدیهی است که هر یک از شاخه‌های نتیجه‌گرایی در تحلیل پدیده‌ای معین به نتایج کاملاً متفاوتی می‌تواند منتهی شود. برای مثال، در شبیه‌سازی تحقیقی-درمانی، اگر فرض

۸۲. هولمز، رابرت ال، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، ققنوس، ۱۳۸۲، صص ۲۶۸-۲۶۹.

۸۳. جهت پیشگیری از اطاله بحث به این موضوع و مطالب بیشتری که می‌توان درباره این مکتب گفت پرداخته نخواهد شد. علاقمندان به منابع ذکر شده مراجعه کنند.

۸۴. هولمز، رابرت ال، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، ققنوس، ۱۳۸۲، صص ۲۶۹-۲۷۰.

کنیم همه پیروان فایده گرایی نطفه را موجودی انسانی و بهره‌مند از حق حیات بدانند، پیروان فایده گرایی ناظر به عمل لذت‌گرا از بین بردن نطفه را بی هیچ تردیدی مجاز می‌دانند زیرا درد و رنج نطفه‌ای که فاقد دستگاه عصبی است با درد و رنج انسان‌های بالغی که دچار بیماری‌های نخاعی و عصبی هستند قابل مقایسه نیست. بنابراین، از بین بردن نطفه (و سلب حیات از آن) خیر بیشتری برای افراد بیشتری فراهم خواهد کرد. ولی فایده‌گرایان ناظر به قاعده تکثرگرا به هیچ وجه نمی‌توانند با این دیدگاه موافقت کنند زیرا معتقد به ضرورت حفظ حیات (قاعده صیانت از جان افراد بی‌گناه) بوده و عمل شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی را در پرتو این قاعده ارزیابی می‌کنند. چنانچه به جزئیات بیشتری که مورد اختلاف نتیجه‌گرایان است پرداخته شود، تفاوت نتایج حاصل از مواجهه این مکتب با پدیده‌ها و دستاوردهای علمی و پزشکی و سؤالات ناشی از آنها بیش از پیش آشکار خواهد شد.

۳. اخلاق زیستی و حقوق بشر

با وجود نظریه‌های کلی اخلاقی متعددی که در فلسفه اخلاق و رویکردهای دینی وجود دارد، رویکرد نظام بین‌الملل به اخلاق زیستی هیچ‌گاه متوجه یک یا چند نظریه خاص نبوده است. اسناد متعددی که درباره اخلاق زیستی به تصویب دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی رسیده‌اند، همگی متوجه یک نظام بوده‌اند، نظام بین‌المللی حقوق بشر.

یکی از دلایل اصلی این امر ارتباط تنگاتنگی است که اخلاق زیستی با قواعد و مقررات حقوق بشری دارد. توجه به حقوق بنیادین بشر و شأن و منزلت انسان در بسیاری از اسناد مربوط به اخلاق زیستی کاملاً آشکار و واضح است.^{۸۵} این اسناد تأکید دارند که

۸۵. برای مثال رجوع شود به:



صیانت از شأن انسان و حقوق بنیادین او وظیفه‌ای است که همواره باید مد نظر باشد. برخی از این اسناد به صراحت به اسناد حقوق بشری استناد می‌کنند، از قبیل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۰. توجه به حقوق بشر در سیاق اخلاق زیستی بین‌المللی به این دلیل است که قواعد مندرج در اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی و پزشکی در عرصه بین‌المللی تنظیم شده و حاصل تضارب آرای فرهنگ‌های مختلفی هستند. در این عرصه، توجه دیدگاه‌ها باید بر اساس ارزش‌های اخلاقی مشترک و نظام حقوقی موجود صورت گیرد. از آنجا که نظام بین‌المللی حقوق بشر به عنوان نظام بین‌المللی حاکم بر حقوق افراد انسان بوده و بیانگر ارزش‌های مشترک اعضای جامعه بین‌المللی است، قواعد مندرج در اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی نیز که برای صیانت از انسان در کاربرد علوم تنظیم شده‌اند، بر اساس نظام بین‌المللی حقوق بشر تدوین شده‌اند.

- World Medical Association Declaration of Helsinki, para.10 (June 1964).
- Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1160 (1991) on the Preparation of a Convention on Bioethics, Para. 7 (i).
- Fukui Statement on International Bioethics, Adopted at the Third International Bioethics Seminar (Nov. 1993), Para.2.
- Inter-Parliamentary Union, Resolution on Bioethics and Its Implications Worldwide for Human Rights Protection (1995), Preamble.
- Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with Regard to the Application of Biology and Medicine, ETS NO.164.1997, Preamble.

دلیل مهم دیگری که می‌توان برای ملاک قرار دادن حقوق بشر در تنظیم قواعد بین‌المللی اخلاق زیستی بیان کرد، ضرورت وجود مبنای مشترکی برای بحث است. باید همواره به این امر توجه داشت که در تنظیم و تصویب اسناد بین‌المللی توسط دولت‌ها، آنچه مطرح است وضع قاعده بوده و داوری‌های اخلاقی موردی که با تفسیر و توصیف مسائل موضوعی در پرتو قواعد انجام می‌شوند و ناظر بر اجرای قواعد در قضایای معین هستند، در سطوح داخلی و در قلمرو ملی دولت‌ها انجام می‌شوند. بدیهی است که در عرصه بین‌المللی، نمایندگان فرهنگ‌های مختلف با باورها و ارزش‌های متفاوتی حضور دارند. اگر بنا باشد این نمایندگان در مقام تنظیم قواعدی برای پدیده‌ای علمی با بعد و اهمیت جهانی بر ارزش‌های خود تأکید کنند، حصول توافق هرگز ممکن و میسر نمی‌شود. علاوه بر این، در سطح جهانی باید مبنایی ملاک و معیار قرار گیرد که مورد اتفاق همگان است و در واقع اخلاق مشترک جهانی به حساب آید. تنها در این صورت می‌توان به نتایجی دست یافت که مورد تأیید و تبعیت همه اعضای جامعه بین‌المللی قرار گیرد.

به بیان دیگر، به نظر می‌رسد که درباره ارتباط اخلاق زیستی با حقوق بشر می‌توان دو منظر متفاوت ارائه کرد. یکی رویکردی فلسفی و منطقی است که نظام بین‌المللی حقوق بشر را به منزله نهاد برتر اخلاق زیستی بین‌المللی معرفی می‌کند. از این منظر می‌توان به ارتباط اصول اخلاق زیستی با ارزش‌ها و اصول حقوق بشری اشاره کرد و نشان داد که اخلاق زیستی در حقیقت متأثر و ناشی از ارزش‌ها و اصول عام نظام بین‌المللی حقوق بشر هستند. در این رویکرد، به امکان و ضرورت توجیه^{۸۶} قواعد اخلاق زیستی بین‌المللی در پرتو حقوق بشر پرداخته خواهد شد. امکان چنین توجیهی از آن جهت است که برخی از

86. Justification; see below.

اصول و قواعد اخلاق زیستی بین‌المللی از استنتاج و تخصیص^{۸۷} اصول کلی حقوق بشری ناشی می‌شوند؛ و ضرورت توجیه قواعد اخلاق زیستی در پرتو حقوق بشر از آن جهت مطرح است که قواعد کاربردی اخلاق زیستی بین‌المللی اعتبار^{۸۸} و درستی^{۸۹} خود را از ارزش‌های عام موجود در نظام کلی حقوق بشر کسب می‌کنند.

رویکرد دیگر عمل‌گرا است و نظام بین‌المللی حقوق بشر را نظام اخلاقی مشترک جامعه بین‌المللی معرفی می‌کند و اخلاق زیستی بین‌المللی که ناظر بر برخی از جوانب حقوق انسان‌ها در عرصه بین‌المللی است را تابع نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌کند. در این رویکرد، نظام بین‌المللی حقوق بشر به عنوان اخلاق مشترک^{۹۰} جامعه بین‌المللی معرفی شده و به عنوان مبنایی مشترک برای بحث درباره وضع قاعده در امور زیستی و پزشکی دانسته می‌شود. بدون اتکا به چنین مبنای مشترکی امکان حصول توافق بر اساس منطق همکاری میسر نخواهد بود. در این حالت، نتیجه همان خواهد شد که در هنگام تصویب اعلامیه مجمع عمومی درباره شبیه‌سازی انسان، برخی نمایندگان آن را اعلامیه‌ای دانستند سیاسی و غیر الزام‌آور که تنها بیانگر دیدگاه‌های گروهی از دولت‌ها است^{۹۱} و می‌خواهد ارزش‌ها و باورهای واحدی را بر جامعه بین‌المللی تحمیل کند^{۹۲}. این دو دلیل اصلی به تفکیک بیان خواهند شد.

۸۷. به معنی استنتاج قواعد خاص از اصول و هنجارهایی عام (specification).

88. Validity.

89. Truth.

90. Common morality.

91. A/59/PV.82, 8 March 2005; see the views expressed by the representatives of China, India and the UK.

92. Views expressed by the representative of Singapore, A/59/PV.82.

۱,۳. مبانی حقوق بشری اخلاق زیستی بین‌المللی

هر فرد هنگامی که با مسأله‌ای اخلاقی مواجه می‌شود، داوری معینی ارائه می‌کند که مبتنی بر باورهای اخلاقی خاصی است. در مواقعی که مسأله اخلاقی پیچیده باشد، یا پدیده‌ای جدید مطرح شود، داوری اخلاقی نیازمند فعالیتی ذهنی است که پدیده را تحلیل کند و آن را در پرتو اصول و نظریات اخلاقی معینی بر اساس روشی درست، توصیف نماید. نشان دادن درستی و اعتبار مبانی و روش ادعا یا داوری اخلاقی را "توجیه" می‌نامند.^{۹۳}

چند مدل توجیه در نظریه اخلاقی وجود دارند. ما در اینجا سه مدل را که هم آموزنده-اند و هم تأثیر زیادی داشته‌اند بررسی می‌کنیم. اولی، توجیه را با رویکردی بالا به پایین انجام می‌دهد که در آن هنجارهای عام و نظریه کلی اخلاقی به عنوان مبنای درست دست-یابی به داوری‌های اخلاقی صحیح مورد تأکید است. دومی، توجیه را از پایین به بالا مورد توجه قرار می‌دهد که در آن سنت اخلاقی، تجربه و داوری به عنوان مبانی هنجارهای کلی و نظریه کلی اخلاقی مورد تأکید قرار می‌گیرند. سومی به رویکرد بالا به پایین یا پایین به بالا اولویت نمی‌دهد...^{۹۴}

بنابر روش‌های مذکور، و به بیانی آشناتر، در روش اول از استنتاج منطقی (کل به جزء)، در روش دوم استقرا (جزء به کل) و در روش سوم فرایندی پیچیده که گاه

93. Beauchamp, Tom L. and Childress, James F., Principles of Biomedical Ethics, fourth edition, Oxford University Press, 1994, p 13.

94. Beauchamp, Tom L. and Childress, James F., Principles of Biomedical Ethics, fourth edition, Oxford University Press, 1994, p 14. On the different models of justification (deductivism, inductivism, and coherentism) see pages 14-26.

استنتاجی و گاه استقرایی است استفاده می‌شود تا داوری اخلاقی و مبانی اخلاقی آن معین شوند و درستی و اعتبار آنها مشخص گردد. البته باید خاطر نشان ساخت که الزاماً این فرایند در هر داوری اخلاقی که افراد در زندگی روزمره خود انجام می‌دهند طی نمی‌شود، بلکه در مقام توضیح و تشریح هر داوری اخلاقی، فرد داوری خود را با استناد به قاعده، اصل و در نهایت نظریه کلی اخلاقی توجیه می‌کند.

برای مثال، در مدل اول توجیه، چنانچه از فردی که قایل به ممنوعیت سقط جنین یا شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی انسان است خواسته شود دلیل داوری خود را توضیح دهد، ممکن است دیدگاه خود را با استناد به قاعده حق حیات توجیه کند و مدعی شود که سقط جنین یا این نوع شبیه‌سازی ناقض حق حیات نطفه است و از آنجا که سلب عمدی حیات انسان ممنوع است، پس این اعمال نیز باید ممنوع باشند. اگر توضیح بیشتری از او خواسته شود، ممکن است این حق را ناشی از اصل خدشه ناپذیری یا قداست حیات انسان‌ها بداند. در ادامه توجیه داوری خود، فرد مورد نظر ممکن است اصل مذکور را در پرتو نظریه اخلاقی معینی (مذهبی یا غیر آن) توجیه کند. همین امر درباره کسی که قایل به جواز سقط جنین یا شبیه‌سازی تحقیقی - درمانی انسان باشد نیز ملاحظه می‌گردد و هر یک از مخالفان و موافقان بر اساس نظریه‌ای کلی و تفسیری که از مفاهیم، اصول و قواعد مختلف مربوط به هر نظریه ارائه می‌کنند، داوری و توجیه متفاوتی به عمل می‌آورند.

در نظام‌های ملی، از آنجا که در بیشتر موارد نظریه کلی اخلاقی معینی ممکن است ملاک قرار گیرد^{۹۵}، یا بیشتر افرادی که در مقام داوری اخلاقی یا وضع قاعده قرار دارند، از فرهنگ و باورهای اخلاقی مشترکی برخوردارند، توجیهی که صورت می‌گیرد بر اساس

۹۵. مثلاً در ایران اخلاق اسلامی ملاک قرار می‌گیرد.

نظریه کلی اخلاقی معینی است که اکثریت آن جامعه تابع آن هستند. نتیجه آنکه قواعد و اصول اخلاقی یا حقوقی آن جامعه نیز بر اساس همان باورها، ارزش‌ها و در یک کلام، "فرهنگ" مشترک حاکم بر آن جامعه شکل می‌گیرند یا تنظیم می‌شوند.

ولی در نظام بین‌المللی، فرهنگ‌های مختلفی رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند که این امر موجب می‌شود تشتت باورها و ارزش‌های اخلاقی امکان دستیابی به اتفاق نظر را دشوار یا غیر ممکن نماید. به همین دلیل در این عرصه، اخلاق مشترکی باید ملاک و مبنا قرار گیرد. با استقرار نظام بین‌المللی حقوق بشر این ملاک واحد و مشترک فراهم شد و با وجود فراز و فرودهایی که این نظام پشت سر گذاشته، به نظر می‌رسد که امروزه برخی از قواعد و اصول آن را به راحتی بتوان اخلاق مشترک جامعه بین‌المللی تلقی کرد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر که توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۸ به تصویب رسید، ضمن آن که در مقدمه خود به «حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان» اشاره می‌کند، طی موادی چند به بیان برخی از حقوق بنیادین بشر اقدام کرده است. ماده اول اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد:

تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر به منزله سندی است که آرمان‌های جامعه بین‌المللی را در خصوص حقوق اساسی انسان‌ها اعلام کرده است. در این اعلامیه، دولت‌ها به بیان ارزش‌هایی اقدام کرده‌اند که همگی بر آنها اتفاق نظر داشته و با بیانی حق محور، نظامی را تعبیر و اظهار کرده‌اند که می‌بایست در جامعه بین‌المللی حاکم باشد. مفاهیم و تعبیرهایی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر انعکاس یافته‌اند، در حقیقت تعبیری از ارزش‌های اخلاقی مشترک دولت‌ها است. اعلامیه جهانی حقوق بشر اصولی را بیان کرده که بر اساس آنها،

قواعدی در چندین معاهده بین‌المللی تنظیم شده‌اند و سازوکارهایی سیاسی، شبه قضایی و قضایی^{۹۶} نیز برای اجرای آن قواعد در سطوح جهانی و منطقه‌ای استقرار یافته‌اند. کلیت این موارد، نظامی حقوقی را فراهم آورده که حقوق انسان‌ها را تضمین می‌کند.

الزام به رعایت حقوق بشر در زمینه اخلاق زیستی و امور پزشکی نیز از اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی کاملاً هویدا است^{۹۷}. ملاحظه شد اسناد بین‌المللی که درباره اخلاق زیستی به تصویب رسیده‌اند، عموماً به ارتباط علوم زیستی و پزشکی با حقوق بشر تصریح کرده‌اند. در بسیاری از موارد نیز به صراحت به اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز استناد شده است. برای مثال، پروتکل اختیاری کنوانسیون اروپایی که درباره منع شبیه‌سازی انسان است و در سال ۱۹۹۸ تنظیم شده، چنین عملی را با اتکا به موازین حقوق بشری منع کرده است. بند ۶ این پروتکل مقرر می‌دارد:

ابزار شدن انسان‌ها از طریق خلق انسان‌هایی که از لحاظ ژنتیکی همگن هستند مغایر با شأن بشر است و لذا متضمن سوءاستفاده از بیولوژی و پزشکی است.

در شرح این پروتکل اظهار شده است:^{۹۸}

شبیه‌سازی عمدی انسان‌ها تهدید است بر هویت انسانی، زیرا صیانتی را که علیه تعیین اساس ژنتیکی انسان توسط شخص ثالثی وجود دارد از بین خواهد برد... از آنجا که ترکیب

۹۶. از جمله سازوکارهای کیفری بین‌المللی. برای مثال، دیوان کیفری بین‌المللی به واسطه صلاحیت‌هایی که در زمینه جرایم علیه بشریت دارد می‌تواند حمایت مؤثری از حقوق بشر در کشورهای عضو به عمل آورد.

۹۷. به مباحث پیشین مراجعه شود.

۹۸. بند ۳ گزارش توضیحی.

ژنتیکی طبیعی آزادی بیشتری را برای فرد تأمین می‌کند تا ترکیبی ساختگی، منفعت همگان اقتضا می‌کند که ماهیت اتفاقی ترکیب ژن‌ها حفظ شود.

به عبارت دیگر، از نظر تدوین‌کنندگان این پروتکل ساخت و ترکیب عمدی زنجیره ژنتیکی فرد که به منزله اساس وجود مادی او است، با مساوات افراد و تساوی از نظر حیثیت و حقوق در تضاد و تناقض می‌باشد. این دیدگاه ایرادهای منطقی و حقوقی بسیاری دارد که بیان آنها از شمول این نوشته خارج است. ولی آنچه اهمیت دارد، توجه و استنادی است که به حقوق بشر شده تا شبیه‌سازی ممنوع اعلام شود. به عبارت دیگر، در تنظیم اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی، توجه قواعد بر اساس نظام بین‌المللی حقوق بشر صورت می‌گیرد. این خود دلیلی قاطع بر این واقعیت است که نظام بین‌المللی حقوق بشر، نظامی است که راهنما و مبنای تنظیم قواعد بین‌المللی اخلاق زیستی است.

علاوه بر این، با بررسی قواعد و اصول مندرج در اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی، به راحتی می‌توان تأثیر نظام بین‌المللی حقوق بشر را در این قواعد و اصول ملاحظه کرد. توجه به شأن بشر، آزادی، ممنوع دانستن تبعیض، اصل رضایت، منع ابزار انگاری و مانند این‌ها در اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی بسیار مورد تأکید بوده و آشکارا از نظام بین‌المللی حقوق بشر تبعیت کرده‌اند.

چنانچه به مواضع مربوط به شبیه‌سازی توجه شود، می‌توان دید که درباره ارتباط آن با بسیاری از مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز استدلال‌هایی مشابهی صورت گرفته است، از جمله مواد دو و هفت (منع تبعیض)، سه (حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی)، چهار (منع بردگی)، پنج (منع شکنجه یا رفتار غیر انسانی)، دوازده (منع دخالت در زندگی خصوصی افراد)، شانزده (حق ازدواج و تشکیل خانواده)، بیست و پنجم (مراقبت بهداشتی) و از این قبیل. همچنین، مفاهیمی که در تأیید یا رد مواضع مختلف به کار برده شده‌اند همگی

مفاهیمی حقوق بشری هستند، مفاهیمی چون شأن بشر، آزادی، منع بردگی، فردیت و هویت انسان، ابزارانگاری انسان، حق تولید مثل و تشکیل خانواده، تبعیض و مانند آنها. در نتیجه می‌توان گفت ارزش‌های بین‌المللی حقوق بشر راهنمای وضع قواعد بین‌المللی اخلاق زیستی بوده و توجیه قواعد و اصول اخلاق زیستی باید در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر انجام شود. این امر به دلیل وحدت موضوعی این دو مقوله است. هم در نظام بین‌المللی حقوق بشر و هم در اخلاق زیستی بین‌المللی، موضوع انسان است. از نظر هدف نیز بین این دو مقوله رابطه عموم و خصوص مطلق حاکم است. هدف از نظام بین‌المللی حقوق بشر مطلق صیانت از انسان است و هدف اخلاق زیستی بین‌المللی، صیانت از انسان در کاربرد علوم زیستی و پزشکی است. بنابراین، در هنگام تنظیم اسناد بین‌المللی اخلاق زیستی ضرورتاً می‌بایست از نظام بین‌المللی حقوق بشر تبعیت کرد و این قواعد را در پرتو آن نظام تهیه کرد.

۲,۳. ضرورت وجود مبنایی مشترک

به نظر می‌رسد دلیل دیگر استناد به حقوق بشر در اسناد بین‌المللی این واقعیت است که نظام‌های اخلاقی دیگر همواره مورد اختلاف بوده و هستند^{۹۹} و این اختلاف دیدگاه‌ها موجب مشکلاتی برای تنظیم قواعد در عرصه بین‌المللی می‌شوند. حتی در مواردی که بر

۹۹. انجمن جهانی پزشکی نیز به این امر واقف است و پس از بیان چهار نظریه اخلاقی اصلی، اظهار می‌دارد: "هیچ یک از این چهار رویکرد، یا رویکردهای دیگری که ارائه شده‌اند، نتوانسته پذیرش جهانی به دست آورد...". نگاه کنید به:

Williams, John Reynold, *Medical Ethics Manual*, World Medical Association, pp. 26-31.

اصول کلی توافق وجود دارد، درباره محتوای آن اصول و مبانی آنها اختلافات بسیاری مشاهده می‌شود.^{۱۰۰}

نظام حقوقی بین‌المللی نیز بر اساس برابری حقوقی دولت‌ها استوار شده است. ولی در این نظام علاوه بر برابری دولت‌ها، منطق‌های همکاری و قدرت نیز وجود دارند که بنا بر مورد یکی از این منطق‌ها نمود بیشتری پیدا می‌کند.^{۱۰۱} نتایجی که از تعامل این منطق‌ها حاصل می‌شود نیز تفاوت دارد و گاه مبتنی بر منافع یک یا چند دولت است و گاه به ارزش‌های مشترک جهان‌شمول نزدیک‌تر است. به همین خاطر و به منظور تدوین قواعدی که بتواند پذیرش گسترده‌ای بین دولت‌ها داشته باشد و کلیت آن قاعده تضمین شود، لازم است قاعده‌ای که تنظیم می‌شود مبتنی بر منطق برابری و همکاری دولت‌ها باشد و بر اساس ارزش‌های مشترک آنها تنظیم گردد.

تنها رویکردی که به صورت مخرج مشترک ارزش‌های جامعه بین‌المللی صورت قاعده حقوقی به خود گرفته است، رویکردی است که بر اساس نظام بین‌المللی حقوق بشر قواعدی را برای تنظیم مسائل زیستی و پزشکی ارائه می‌کند. به تعبیر انجمن جهانی پزشکی:

امروزه اخلاق پزشکی بسیار تحت تأثیر تحولات حقوق بشر قرار گرفته است. در جهان متکثر و چند فرهنگی، که دارای چندین سنت اخلاقی متفاوت است، توافقات اصلی بین-

100. Kuppuswamy, Chamundeeswari; Macer, Darryl; Serbulea, Michaela and Tobin, Brendan, *Is Human Reproductive Cloning Inevitable: Future Options for UN Governance*, United Nations University-Institute of Advanced Studies Report, 2007, p. 9. In a lecture held in Shahid Beheshti Medical School in 2008, Dr. Macer expressly mentioned the differences of opinion on ethical issues and that the only common basis on which agreement was possible was international human rights.

۱۰۱. برای توضیح مفصل این بحث رجوع کنید به: فلسفی، هدایت الله، "حق، صلح و منزلت انسانی"، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی، شماره ۲۶-۲۷، ۱۳۸۰-۱۳۸۱، ص ۶۳ به بعد.

المللی حقوق بشر می‌توانند مبنایی برای اخلاق پزشکی فراهم کنند که ورای مرزهای ملی و فرهنگی قابل پذیرش است.^{۱۰۲}

این تعبیر انجمن نکات مهم و ظریفی در بر دارد. از طرفی، این متن تأییدی است بر اینکه از نظر انجمن جهانی پزشکی، توجیه قواعد و اصول اخلاق پزشکی بر اساس نظام بین‌المللی حقوق بشر صورت می‌گیرد. از طرف دیگر، اشاره‌ای دارد بر تکرر و تعدد فرهنگ‌های جهان که خود موجب دشواری توافق درباره مسائل اخلاق زیستی و پزشکی می‌شوند و اینکه حقوق بشر، از آنجا که مبنای مشترکی را فراهم آورده، بر اخلاق پزشکی تأثیر زیادی گذاشته است.

البته باید خاطر نشان ساخت با وجود آنکه نظام بین‌المللی حقوق بشر امروزه از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شده و مبنای سنجش رفتار دولت‌ها گردیده، ابهام‌ها و بحث‌های بسیاری درباره مبنای فلسفی و فکری این نظام و دامنه قواعد و اصول آن وجود دارد.

گفتن اینکه برای اصل حقوق بشر در سطوح داخلی و بین‌المللی پذیرش گسترده‌ای وجود دارد به معنی این نیست که درباره طبیعت چنین حقوقی یا دامنه ماهوی آنها، یا تعریف آنها، توافق کامل وجود دارد. هنوز برای برخی از سؤالات بسیار اساسی باید پاسخی ارائه شود. اینکه حقوق بشر را باید استحقاق‌های الهی، اخلاقی یا حقوقی بدانیم؛ اینکه آنها از شهود، عرف، نظریه قرارداد اجتماعی، اصول عدالت توزیعی یا پیش شرط-های سعادت اعتبار می‌یابند؛ اینکه قابل استرداد هستند یا به صورت جزئی قابلیت استرداد دارند؛ اینکه باید از نظر دامنه و تعداد محدود باشند یا وسیع-این‌ها و سؤالات همسان این-

102. Williams, John Reynold, *Medical Ethics Manual*, World Medical Association, p.11.

ها همچنان موضوع بحث بوده و تا زمانی که رویکردهای متفاوتی به نظم عمومی و کمبود منابع باشد، این بحث‌ها نیز ادامه خواهند داشت.^{۱۰۳}

باید توجه داشت که در همان زمان تنظیم متن اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز این اختلافات و ابهام‌ها وجود داشت^{۱۰۴} و یکی از دلایلی که در متون اسناد جهانی حقوق بشر به مبنای این حقوق اشاره‌ای نشده، همین اختلاف نظرها است:

...تنظیم‌کنندگان اعلامیه [جهانی حقوق بشر] در آغاز کار خود متوجه شدند که توافق درباره محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر بسیار آسان‌تر از توافق درباره اصول مشترک

103. Weston, Burns, "Human Rights", 20 New Encyclopedia Britannica, 15th edition, 1992, in: Steiner, Henry J. and Alston, Philip, *International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals*, Oxford University Press, second edition, 2000, p. 326.

۱۰۴. به انتقادهای انجمن آمریکایی انسان‌شناسی توجه شود. این انجمن در سال ۱۹۴۷ با انتقاد تند از طرح پیش‌نویس اعلامیه جهانی حقوق بشر، آن را تلاشی برای اعمال ارزش‌های غربی-اروپایی بر دیگر فرهنگ‌ها اعلام کرده بود:

American Anthropological Association, Statement on Human Rights, 49 American Anthropologist, No. 4, 1947, p. 539.

با وجود این، انجمن مذکور در سال ۱۹۹۹ بیانیه دیگری صادر کرد که طی آن اعلامیه جهانی حقوق بشر را به رسمیت شناخته و آن را مبنای تعریف خود از حقوق بشر دانسته است. علاوه بر آن، انجمن اظهار داشته که فهم خود را از حقوق بشر محدود به تعاریف و محتوای اسناد حقوقی بین‌المللی نمی‌داند و حقوق بشر را پویا و در حال رشد تلقی می‌کند:

Declaration on Anthropology and Human Rights, Committee for Human Rights, American Anthropological Association, Adopted by the AAA membership June 1999: <http://www.aaanet.org/stmts/humanrts.htm>; and Engle, Karen, "From Skepticism to Embrace: Human Rights and the American Anthropological Association from 1947-1999", *Human Rights Quarterly* 23:3 (2001), pp. 536-559.

بنیادین است. استدلال‌های فلسفی مشکل‌ساز بودند، نه استدلال‌های عملی، و در نهایت تنظیم‌کنندگان توافق کردند که درباره مبانی نظری حقوق بشر توافق نکنند.

به همین دلیل، بر خلاف برخی اعلامیه‌های دیگر حقوق، سند ۱۹۴۸ هیچ نظریه توجیهی ارائه نمی‌کند. این اعلامیه، همچون اعلامیه استقلال آمریکا، مدعی نیست که مردم حقوق خاصی را از "خالق خود دارند"، یا، مانند اعلامیه حقوق بشر فرانسه، حقوق بشر را "طبیعی" و "مقدس" تعریف نمی‌کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر، پس از استناد مقدماتی به "شأن ذاتی" همه انسان‌ها، تنها برخی ارزش‌ها را حقوق بشر معرفی می‌کند. به نظر می‌رسد که تنظیم‌کنندگان [اعلامیه] باور داشتند مردم فرهنگ‌های مختلف می‌توانند دلایل توجیهی استلزامات عملی اعلامیه را در سنت‌های اخلاقی خود پیدا کنند.^{۱۰۵}

ولی دولت‌ها، ضمن آنکه درباره مبانی حقوق بشر اختلاف نظر داشتند، توافق کردند اصول و قواعدی را در اسناد بین‌المللی قید کنند که انعکاسی از باورها و ارزش‌های آنها است. در حقیقت، آنچه در اسناد بین‌المللی حقوق بشر قید شده، اشتراکات ارزشی و اعتقادی دولت‌ها است، به نحوی که این اسناد حداقل حقوق انسان‌ها را اعلام کرده و مبنایی ارزشی در سطح بین‌المللی ارائه می‌کنند که امروزه به راحتی می‌توان آن را اخلاق مشترک جامعه بین‌المللی دانست.

این اخلاق مشترک، بدون آنکه در عرصه عمل نیازمند احتجاجات فلسفی باشد، سنجه‌ای است که قواعد مربوط به آزادی‌ها و حقوق انسان‌ها در پرتو آن ارزیابی و توجیه می‌شوند، رفتار دولت‌ها نسبت به افرادی که در صلاحیت آنها قرار دارند بر اساس آن بررسی می‌گردد و معیار قانون‌مداری و اخلاقی بودن حکومت‌های جهان است. چنین جایگاهی و

105. Beitz, Charles, "What Human Rights Mean", Daedalus, vol. 132, Issue 1, 2003, p. 36.

کارکردی باعث شده که نظام بین‌المللی حقوق بشر به راحتی و بدون استدلال‌های مبسوط و پیچیده، در عمل ملاک و معیاری برای تنظیم قواعد بین‌المللی اخلاق زیستی شود. با این حال، در برخی مواقع که باورهای اخلاقی و ملی دولت‌ها از حساسیت زیادی برخوردار است، ملاحظه می‌شود که تنظیم قواعد الزام‌آور بین‌المللی با اتکا به نظام بین‌المللی حقوق بشر به راحتی ممکن و میسر نیست. برای مثال، تلاش ملل متحد برای تنظیم معاهده‌ای جهانی برای قاعده‌مند کردن شبیه‌سازی انسان پس از چند سال بحث و بررسی، در نهایت به دلیل اختلاف نظر عمیق دولت‌ها درباره استلزامات نظام بین‌المللی حقوق بشر و برخی از مفاهیم اصلی آن، به صدور اعلامیه‌ای ضعیف توسط مجمع عمومی آن سازمان منجر شد. با وجود این، هیچ یک از دولت‌ها منکر ضرورت ملاک قرار گرفتن نظام بین‌المللی حقوق بشر در قاعده‌مند کردن شبیه‌سازی انسان نبودند.

نتیجه‌گیری

آیا نطفه یا جنین انسان از حق حیات برخوردار است؟ آیا جایز است با دستکاری ژنتیکی گیاهان و حیوانات منابع غذایی مورد نیاز انسان‌ها را تأمین کرد؟ آیا درست است با دستکاری ژنتیکی، توانایی‌های خاصی به انسان‌ها بخشید؟ آیا می‌توان همچون دانشمندان فیلم «پارک ژوراسیک» با شبیه‌سازی ژن‌های دایناسورها، موجبات تفریح و سرگرمی را فراهم کرد؟ این پرسش‌ها و سؤال‌های بی‌شمار دیگر نشان‌دهنده این واقعیتند که فعالیت دانشمندان، به‌ویژه در زمینه‌های زیستی و پزشکی که بر حقوق و آزادی‌های افراد تأثیر می‌گذارند، از اهمیت اخلاقی ویژه‌ای برخوردار است.

پیدا کردن پاسخ‌های مناسب و درست به این پرسش‌ها نیازمند احتیاج و تأمل عمیقی است که جز با بهره‌گرفتن از شاخه‌های مختلف علمی، اعم از علوم تجربی و انسانی، ممکن و میسر نخواهد بود. رشته اخلاق زیستی که در کوران تحولات علمی قرن بیستم، شکل رشته علمی مستقلی پیدا کرد، امروزه اهمیتی دوچندان یافته و مورد توجه اندیشمندان و دولتمردان بسیاری قرار گرفته است.

ماهیت جهانی پرسش‌های مربوط به فعالیت‌ها و دستاوردهای علمی و پزشکی و طبیعت فرامرزی این علوم مستلزم پاسخ‌هایی در سطح بین‌المللی است، زیرا پاسخ‌های ارائه‌شده به صورت قواعدی الزام‌آور تدوین گردیده و بر حقوق و آزادی‌های افراد بسیاری تأثیر می‌گذارند. به این منظور، و با وجود چندین رویکرد و مکتب اخلاقی در جهان، باید نظریه‌ای ملاک قرار گیرد که مورد قبول همه اعضای جامعه بین‌المللی باشد. نظام بین‌المللی حقوق بشر، به عنوان نظامی اخلاقی - حقوقی که غایت آن صیانت از انسان بوده و وجه مشترک باورهای اخلاقی دولت‌های جهان است، به عنوان نظریه کلی اخلاقی در تدوین قواعد بین‌المللی اخلاق زیستی ملاک قرار گرفته است.

با این حال، طرح برخی مسائل و موضوعات حساس نشان می‌دهد که دولت‌ها درباره برخی از مفاهیم بنیادین حقوق بشر اختلاف نظر دارند. البته این اختلاف نظرها نافی جایگاه نظام بین‌المللی حقوق بشر به عنوان نظام راهنمای اخلاق زیستی بین‌المللی نبوده و تنها نشان‌دهنده ضرورت تلاش هر چه بیشتر اندیشمندان برای تنویر و تبیین هر چه بهتر این مفاهیم است.

فهرست منابع

الف) فارسی

۱. سالیوان، راجر، *اخلاق در فلسفه کانت*، ترجمه عزت الله فولادوند، طرح نو، ۱۳۸۰.
۲. فلسفی، هدایت الله، "حق، صلح و منزلت انسانی"، مجله حقوقی، دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی جمهوری اسلامی، شماره ۲۶-۲۷، ۱۳۸۰-۱۳۸۱.
۳. قضایی، صمد، *پزشکی قانونی*، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۴. کانت، ایمانوئل، *درس‌های فلسفه اخلاق*، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، انتشارات نقش و نگار، ۱۳۸۰.
۵. هولمز، رابرت ال، *مبانی فلسفه اخلاق*، ترجمه مسعود علیا، ققنوس، ۱۳۸۲.

ب) لاتین

1. Alexander, Larry and Moore, Michael, "Deontological Ethics", The Stanford Encyclopedia of Philosophy, at: <http://plato.stanford.edu/archives/spr2004/entries/ethics-deontological>.
2. Beauchamp, Tom L. and Childress, James F., *Principles of Biomedical Ethics*, fourth edition, Oxford University Press, 1994.
3. Beitz, Charles, "What Human Rights Mean", *Daedalus*, vol. 132, Issue 1, 2003
4. Bentham, Jeremy, *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*, 1789
5. Caplan, Arthur, L. (ed.), *When Medicine Went Mad: Bioethics and the Holocaust*, Humana Press, Totowa, New Jersey, 1992.

6. Cavanaugh-O'Keefe, John, *The Roots of Racism and Abortion: An Exploration of Eugenics*, chapter 17: Bioethics, "Shaping the Battle Field", at: www.eugenics-watch.com/roots/chap17.html.
7. Engle, Karen, "From Skepticism to Embrace: Human Rights and the American Anthropological Association from 1947-1999", *Human Rights Quarterly* 23:3 (2001), pp. 536-559.
8. Jesani, Amar, "Slippery Slopes of Nazi Medicine", www.cehat.org/publications/ed02.html.
9. Johnson, Robert, "Kant's Moral Philosophy", *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (spring 2004 edition), at: <http://plato.stanford.edu/archives/spr2004/entries/kant-moral/>.
10. Jonsen, Albert R., *The Birth of Bioethics*, Oxford University Press, 1998.
11. Kuppuswamy, Chamundeeswari; Macer, Darryl; Serbulea, Michaela and Tobin, Brendan, *Is Human Reproductive Cloning Inevitable: Future Options for UN Governance*, United Nations University-Institute of Advanced Studies Report, 2007.
12. Mill, John Stuart, *Utilitarianism*, 1861.
13. Murphy, Sean D., "Biotechnology and International Law", *Harvard International Law Journal*; Vol. 42, No. 1, winter 2001.
14. Pojman, Louis P., *Ethical Theory: Classical and Contemporary Readings*, Wadsworth Publishing Company, 1998.

15. Reich, Warren T., "Introduction", in: Reich (ed.), *The Encyclopedia of Bioethics*, Revised ed., New York: Simon Schuster Macmillan, 1995, p. xxi.
16. Sidgwick, Henry, *The Methods of Ethics*, 1907.
17. Sinnott-Armstrong, Walter, "Consequentialism", Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2006, at: <http://plato.stanford.edu/entries/consequentialism>.
18. Symonides, Janusz; "New Human Rights Dimensions, Obstacles and Challenges: Introductory Remarks", in: Symonides, J. (ed.), *Human Rights: New Dimensions and Challenges*, UNESCO, 1998.
19. Van Rensselaer Potter; *Bioethics: Bridge to the Future*; Prentice-Hall Biological Science Series: Englewood Cliffs, 1971.
20. Warburton, Nigel, *Philosophy: The Basics*, Routledge, 4th edition, 2005.
21. Warnock, Mary, *A Question of Life*, Oxford, 1985.
22. Weston, Burns, "Human Rights", 20 New Encyclopedia Britannica, 15th edition, 1992, in: Steiner, Henry J. and Alston, Philip, *International Human Rights in Context: Law, Politics, Morals*, Oxford University Press, second edition, 2000, p. 326.
23. Williams, John Reynold, *Medical Ethics Manual*, World Medical Association.

اسناد و گزارش‌ها

1. American Anthropological Association, *Statement on Human Rights*, 49 American Anthropologist, No. 4, 1947, p. 539

2. American Anthropological Association, Committee for Human Rights, *Declaration on Anthropology and Human Rights*, Adopted by the AAA membership June 1999: <http://www.aaanet.org/stmts/humanrts.htm>
3. Convention for the Protection of Human Rights and Dignity of the Human Being with Regard to the Application of Biology and Medicine, ETS NO.164, 1997
4. Council of Europe, Parliamentary Assembly, Recommendation 1160 (1991) on the Preparation of a Convention on Bioethics.
5. Fukui Statement on International Bioethics, Adopted at the Third International Bioethics Seminar (Nov. 1993).
6. Inter-Parliamentary Union, Resolution on Bioethics and Its Implications Worldwide for Human Rights Protection (1995).
7. Promotion and Protection of Human Rights: Science and Environment, *Human Rights and Bioethics*, E/CN.4/1999/90, &: Ibidem, E/CN.4/2001/93.
8. UNESCO General Conference Resolution 5.165, 27th session.
9. United Nations General Assembly, 82nd Plenary Session, Agenda item 150, *International convention against the reproductive cloning of human beings*, A/59/PV.82, 8 March 2005
10. World Medical Association, *Declaration of Helsinki*, June 1964.